# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دورهٔ هفتم ، سال اول ، شمارهٔ ۷۳
سه‌شنبه ۱ آبان ۱۳۵۸ـ تک‌شماره ۱۰ ریال


# تشکیل جبهه متحد خلق، یک وظیفه مبرم انقلابی است

درصفحه ۳

**حزب توده ایران راه حل مسالمت‌آمیز ومبتنی بررفع‌ستم ملی ازخلق کرد درایگانه راه‌حل مسئله کردستان میداند و آماده است دراین‌راه، با تمام نیرو و امکانات خود، به‌دولت موقت جمهوری‌اسلامی ایران‌صادقانه یاری کند**

## در صفحات بعد:


■ متن پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده‌ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق
صفحه ۳

■ مراسم باشکوه بیست و پنجمین سالروز شهادت افسران توده‌ای درمشهد
صفحه ۴

■ آیت‌اله خسروشاهی : نمیگذارند، نمیگذارند ما مشکل مسکن‌را حل کنیم.
صفحه ۴

■ مجلس خبرگان ومسئله رهبری وشورای‌رهبری
صفحه ۲

■ خیابان کشاورز مرکز خرید و فروش حشیش شده است.
صفحه ۶

■ به‌آنهاکه زنده‌اندشعر تازه‌ای ازفرهاده‌آور
صفحه ۶

■ این استدلال که چون وابسته بوده‌ایم ، به‌ناچار وابسته بمانیم قابل قبول نیست
صفحه ۵


## دونوع تعبیر متفاوت ازمحتوی وروش دیانت اسلامی

**■ مسلمانان مبارز و انقلابی در پی اسلام علی و اباذرند و مسلمانان راستگرا درپی اسلام خلفا و سلاطین**

**درکشورماایران، دولوع‌فرهنگ پرسابقه وجودداشت ودارد که درانقلاب‌اخیر، یکی‌ازآنها (بعلت‌ریشه خلقی‌خود) دربرابر آندیگری ایستاد و بشکل شگفت‌آوری آن‌را از پا درآورد وپوکی این«غول‌برپای‌گلین» راثابت‌کرد.**

این‌دوفرهنگ، یکی فرهنگ اشرافی‌شاهنشاهی‌است‌ودیگری معارف اسلامی. یکی، بگفته چاپلوسان دربار پهلوی ، و بامبداء گرفتن تاجگذاری کورش هخامنشی، فرهنگی دوهزار و پانصد ساله‌بود. ودیگری فرهنگی ۱۴۰۰ ساله ( درآن حد که فرهنگ اسلامی بمعنای تاریخی و اعم این‌کلمه است) . اما در درون این فرهنگ اسلامی، درآغازکار شیعیان پیروعلی، که ساکن کوفه وسپس محله«کرخ» دربغداد وشهرحله بودند، نخستین کسانی هستند که بدنبال راه‌علی‌وبرپایه مذهب جعفری فرهنگ تشیع‌را پدیدآوردند که درکشور مانقش بزرگی بازی‌کرد وازاهم اندیشه پردازان‌شیعه می‌توان ازشیخ‌کلینی، شیخ‌صدوق، شیخ‌طوسی ، شیخ طبرسی، سید مرتضی، شریف‌رضی، شیخ مفید ،علامه حلی، محقق حلی وخواجه نصیرالدین طوسی نام بردکه درتنظیم فقه وکلام واصول شیعه و در پاسخگویی بمذاهب اربعه( بویژه به حنابله) ودرمقابله با متکلمین اشاعره‌کارهای بزرگ انجام داده‌اند. خواجه‌نصیرالدین طوسی‌موفق شد بدست هلاکوعباسیان‌را براندازد. محقق‌حلی برادر علامه حلی موفق شد ایلخان‌بت‌پرست «الجایتو» را مسلمان کند و پس‌از این مسلمان شدن، اوخودرا سلطان محمد خدابنده نامید. این فرهنگ اززمان صفوی درکشورما بفرهنگ سیطره‌مندبدلشد، ولی البته‌در خدمت شاهان‌وچاکرانش. چیزی که شیعیگری رااز آن صبغه‌انقلابی واپوزیسیون‌که درروزان اموی وعباسی وغزنوی وسلجوقی ایلخانی داشت، دورمیساخت.

فرهنگ اشرافی شاهنشاهی دردوران ساسانی به‌اوج‌استبدادی خود رسید و به شاه، که برده نشین بود، «شماع‌یخسان»، یعنی «ذات‌الوهیت شما» خطاب میکردند (چنانکه محمدرضا پهلوی نیز

بقیه درصفحه ۶

**پاک‌سازی ارگانهای انقلاب**
**مقاله‌دوم: دادگاهها**

## ساواکی‌ها آزاد شدند، معتادان ودزدان دستگیر!

**■ از ۶۷۳ زندانی اوین فقط ۳۶ نفر ساواکی هستند**

**■ دردوره‌دوم‌دادگاهها ۹۲۴ ساواکی بدون سروصدا آزادشدند**

مقاله‌پیشین به نفوذ عوامل مشکوک ونایاب و عمال ساواک و کارگزاران سرمایه داری بزرگ وابسته درکمیته‌ها و ضرورت پاک سازی هرچه‌سریعتر آنها اختصاص داشت.

ذکراین‌واقعیت ناگزیراست که پاک سازی کمیته‌ها و سپاه پاسداران، بدون‌توجه، به‌پاکسازی دادگاههای انقلاب، کاررانیمه‌کاره گذاشته ،دشمن‌اجازه‌میدهد که‌این‌بار ثقل فعالیت خودرا به‌دادگاههای انقلاب منتقل کند.

نگاهی به‌گذشته دادگاههای انقلاب نشان میدهد که‌این‌ارگان های انقلاب، تاکنون ۳ دوره مشخص را پشت سرگذاشته‌اند. دوره اول، ازآغاز کاردادگاه‌ها تاتصفیه بازپرسان وقضات تحقیق

بقیه درصفحه ۵

**مسئول کیست ؟**

## چرا ازتوزیع روزنامه مردم درشهرستانهاجلوگیری میشود

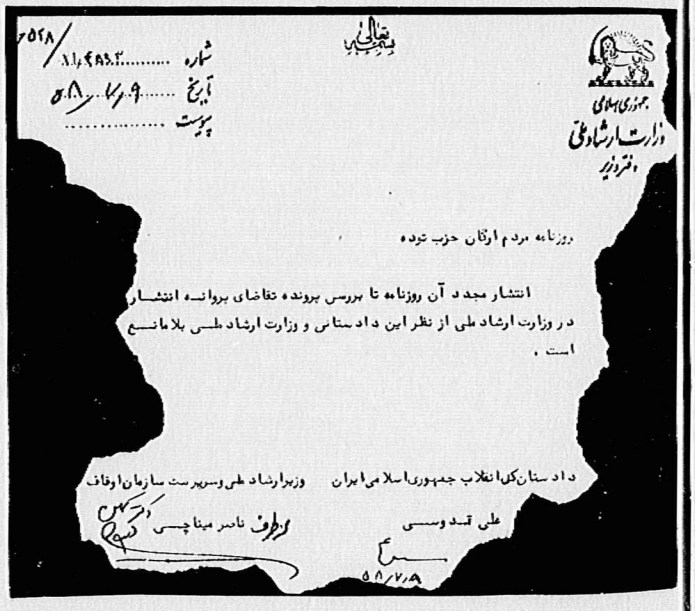
بسمه تعالی
جمهوری اسلامی
وزارت ارشاد ملی
دفتر وزیر
شماره ۱۱/۴۹۵۳
تاریخ ۵۸/۷/۹
پیوست
۵۲۸/
روزنامه مردم ارگان حزب توده
انتشار مجدد آن روزنامه تا بررسی پرونده تقاضای پروانه انتشار
در وزارت ارشاد ملی از نظر این دادستانی و وزارت ارشاد ملی بلامانع
است .
دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران
وزیرارشاد ملی وسرپرست سازمان اوقاف
طرف ناصر میناچی
علی قدوسی
۵۸/۷/۸

از روز ۲۴ر ۷ر ۱۳۵۸ ، مسئول دفتر دادستانی کل انقلاب اسلامی درفرودگاه مهرآبادمانع ارسال «مردم» وسایر مطبوعات وابسته به حزب توده ایران به خارج ازتهران گردیده است. با وجود ارائه‌نامه‌دادستان کل‌انقلاب جمهوری اسلامی ایران ووزارت ارشاد ملی، که بموجب آن‌انتشار «مردم» بلامانع‌شناخته‌شده، مسئول دفتر دادستانی ارسال مطبوعات نامبرده را موکول به‌اجازه‌کتبی ازطرف دادستانی کل انقلاب کرده است. لزوم ارائه چنین «اجازه نامه‌ای» قبلا نه‌بروزنامه «مردم» ابلاغ شده ونه در روزنامه‌های دیگر درج شده است.

سئوال‌ما ازمسئولان‌امراینست که، آیا اجازه نشر روزنامه ، درعرف معمول روزنامه‌نگاری ، جزاجازه چاپ وپخش روزنامه است؟ چراپس‌ازیکماه‌وتیم توقیف بردلیل وفاروای «مردم» ، اینک که اجازه‌انتشار «مردم» داده شده است، ازما اجازه ارسال و توزیع آنرا میخواهند ؟ آیا اگر این اجازه‌راهم پس‌از مراجعات‌مکرر دریافت کردیم، اجازه نوع‌دیگری از ما نخواهند خواست وهمه‌این «اجازه‌ها»، که بنظرمیرسدمختص «مردم» است، چه‌معنائی دارد؟این هرج ومرج قضائی‌را چگونه‌باید توجیه کرد؟واقعا قدرت قضائی در دست کیست؟ چرا مرتکبین این اقدامات خودسرانه و غیرقانونی مورد باز خواست قرار نمیگیرند؟ چه‌دستهائی‌مانع‌ازآنست که «مردم»، که‌با اصولیت،قاطعیت وپیگیری ازانقلاب ایران‌دفاع میکند، بدست مردم نرسد؟

اینهاسئوالاتی‌است که‌مسئولین امر موظفند به‌آن پاسخ گویند.

ما ذیلا «متن نامه مردم» به دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی‌ایران‌واجازه‌نامهٔ دادستان کل‌انقلاب جمهوری اسلامی‌ایران و وزارت‌ارشادملی‌را برای‌اطلاع خوانندگان«مردم»منتشرمیسازیم. وازمقامات‌مسئول‌مصرانه‌می‌طلبیم که به‌این وضع غیرقابل تحمل پایان‌دهند .

نامهٔ «مردم» به دادستان‌محترم‌کل‌انقلاب‌جمهوری اسلامی ایران

حضرت‌آیت‌الله قدوسی

احتراماً بطوریکه آنجناب استحضار دارند، توقیف ناروا و بدون علت روزنامه «مردم» از طرف دادستان‌انقلاب‌تهران،از۲۹ مردادماه‌تانهم‌مهرماه‌بطول‌انجامید. «مردم» برحق بود، درراه انقلاب گام برمیداشت ، بشهادت همه خوانندگان بیغرض وعلاقمند به پیروزی انقلاب، دردفاع‌ازانقلاب و رهبری آن با صداقت تمام، با پیگیری وشهامت شایسته نام‌خود حرکت می‌کرد. چرا و به چه علت این‌روش‌متین‌واستوارحمایت ازانقلاب ومقابله با ضدانقلاب به مذاق‌کسانی خوش نیامد و دستور توقیف آنرا دادند، امری است‌که قاعدتاً نباید بدون‌بررسی ونتیجه‌گیری لازم از طرف آن دادستانی بماند.

در شرایطی‌که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکا، و دشمنان انقلاب ایران درخارج و داخل، همه امکانات تبلیغاتی خود را علیه انقلاب ایران و رهبری آن بسیج کرده‌اند وسیمای‌انقلاب شکوهمند مردمی‌ما را میخواهند لجن‌مال کنند، به جعل سیاه‌ترین اکاذیب و افترا آت دست میزنند، انقلاب ایران را بازگشت به قرون وسطی‌وبرقراری رژیم‌رعب و وحشت، آدمکشی و جهالت معرفی‌میکنند، برای‌محوونابودی

بقیه درصفحه ۶

**رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!**

**اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در «مردم»، ارگان‌مرکزی حزب توده ایران، رابا استفاده‌ازتمام‌امکانات، بوسیع‌ترین شکل‌تکثیر کنیدوبه‌توده‌های‌مردم برسانید. در شرایط حساس‌کنونی این یک وظیفه‌مبرم‌انقلابی‌است.**

## قانون نحوه‌واگذاری واحیای اراضی به‌سودسرمایه‌داران وغارتگران وبه‌زیان دهقانان است

**درسمینار بررسی‌مسائل‌کشاورزی، روستائی‌وعشایری ایران(۲۱تا۲۸مهرماه)، قانون «نحوه واگذاری و احیای اراضی» مورد انتقادسخت‌عده‌ای ازصاحبنظران‌وکشاورزان قرارگرفت.**

قانون جدید بااین «مقدمه» آغازمی‌شود،

«باتوجه باصول وموازین شرع‌مقدس اسلام مبنی بر تملق اراضی ومنابع طبیعی به‌آفریدگار بزرگ وبهره‌گیری انسان ازاین مواهب الهی براساس‌کارمفید وورجهت‌دفع نیاز وخودکفائی‌جامعه، وبمنظور تشویق وحمایت ازکار وکوشش وهمکاری افراد در زمینه فعالیتهای‌کشاورزی وجلوگیری از معطل‌ماندن بیمورد منابع آب وخاک، مقررات ذیل‌درمورد نحوه زمین‌داری وترتیب واگذاری و احیا و بهره‌برداری از اراضی تصویب و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود . »

ولی خواننده، همین‌که متن ۲۶ماده‌ای قانون‌را بررسی‌کند، به‌آسانی می‌بردکه محتوای آن درست مغایر با آن چیزی است که قانونگذار بااین مقدمه‌چینی می‌خواهد تلقین‌کند. در حقیقت عبارت‌بالاپوششی است‌برای تحقق بخشیدن بمقاصدضد مردمی وضد دهقانی وضدانقلابی‌وضد اسلامی گروهی ازسرمایه‌داران وزمینداران درغارت منابع‌ملی‌کشاورزی‌ایران.

اصل مسئله موضعگیری ضد انسانی این قانون را درمواد ۲و۳ بروشنی میتوان دید. درماده۳ قانون چنین آمده است،

«حقوق‌اشخاص براراضی‌باید توام بامسئولیت وتکلیفی‌است که درمورد استفاده وبهره‌برداری مشروع ازآن دارند. بهره‌برداری از اراضی باید‌اعم ازآن است که‌شخصا ومستقیماً امر بهره‌برداری انجام شود یاآنکه با استفاده ازماشین‌آلات (!) وبا به‌کمک کارگرو برزگر یا باانعقاد قرارداد ازقبیل مزارعه ، وسیله اشخاص دیگر با اجازه مالک انجام شود.»

این مادهٔ ازقانون، که محتوای اصلی آن است ، نه‌فقط با خواست حقه دهقانان زحمتکش وبا نیازمان ما وکشور ماپس‌از انقلاب، کمترین وجه‌مشترکی ندارد، بلکه با اصول وموازین اسلام و روح انسانی‌ومردمی آن نیزنمیتواند انطباق داشته باشد ، زیرا اسلام‌هم مالکیت حاصل ازکاردیگری را حرام وفاسد می‌داند .

یکی ازاصول اقتصاد اسلامی‌این‌است‌که فقط‌کارایجادمالکیت می‌کند. بازده وبهره‌وری وتملک به‌کارتعلق می‌گیرد. **سرمایه باید درخدمت‌کار باشد، نه‌کار در خدمت سرمایه**، درحالیکه این ماده ازقانون، که باعبارت‌شرع مقدس‌اسلام آغازمیشود، به‌زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران محلی‌وغیر محلی‌امکان می‌دهدکه با بهره‌کشی ازکار کارگر وبرزگر وبا انعقاد «قرارداد»(لابد«مشروع») ازقبیل «مزارعه» بر ثروت خود بیفزایند واراضی ومنابع طبیعی‌را، که به «آفریدگار بزرگ تعلق دارد»، به سود خود بهره‌برداری کنند. این قانون همه اشکال بهره‌حمانه استثمارفئودالی وحتی‌ماقبل فئودالی، ارباب‌رعیتی و سرمایه‌داری را رسمیت می‌بخشد ومشروع می‌کند . چنین قانونی‌درجهت تحکیم‌وتنفیذ سلطه سرمایه‌دار است نه احترام به‌کار انسان وتضمین حاکمیت آن، چنانکه در اسلام نیز تأکید شده است.

بنابرنوشته «امت»(۴مهر)، «آقای ایزدی وزیر کشاورزی، درپاسخ حدمالکیت ارضی‌کشاورزی، می‌گویدکه باید توجه به حداقل‌ظرفیت مطلوب‌داشت... »وآنگاه می‌پرسد، «آیا باید‌اجازه دادکه هرکس‌با تمرکز سرمایه، با دراختیارگرفتن‌تکنولوژی پیچیده، این حق را داشته باشدکه سرزمینهای حاصلخیز مرغوب را هراندازه درتوان تکنولوژی است، در اختیار بگیرد وبقیه را ازکارکردن برروی زمینهای مرغوب محروم سازد، فقط به این دلیل که باید هزینه عوامل تولیدش را جبران‌کند؟»

بقیه درصفحه ٤

# آتش بس در کردستان شرط حتمی وضرور برای موفقیت در مذاکرات است

# مجلس خبرگان و مسئله رهبری و شورای رهبری

**درفصل اصول کلی قانون اساسی، اصل معروف به‌اصل ولایت فقیه (اصل۵) در روز بعد از رحلت حضرت آیت‌الله طالقانی بتصویب رسید، که بموقع خود موجب بحثهای فراوانی شد. خوانندگان «مردم» درسلسله مقالاتیکه پیرامون کارهای مجلس خبرگان منتشرشده، باین مسئله‌ودر پیوند باآن، بامسئلهٔ حق‌حاکمیت ملی وچاونقش رای‌واراده ملت‌ونظام شورائی، که‌نحوه اعمال حاکمیت مردم است ، آشنائی لازم‌را پیداکرده‌اند.آن‌اصل کلی‌پنجم‌وولایت‌امر که حدودولغورش روشن نبود ومحتوی مشخص آن‌مبهم مانده‌بود. درفصول بعدی زیر عنوان مسئله «رهبر وشورای رهبری» توسط خبرگان توضیح داده شده ودرعین‌گرده است.**

**اصل ۸۴،** فقیه واجد شرایط مذکوردراصل ۵را رهبر میشناسد وولایت امر ومسئولیتهای ناشی‌از آنرا برعهده‌ی میگذارد. اگرهم یك فقیه واجد همه شرایط وجود نداشت، خبرگانی‌که منتخب مردم هستند، جمع خواهند شد وازبین‌کسانیکه صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند، یك‌نفر را بعنوان رهبر معرفی‌میکنند، یااگر یك‌نفر دارای «مرجعیتی خاص» پیدا نشد، سه یاپنج نفررا بعنوان اعضای **شورای رهبری** تعیین و بمردم معرفی میکنند. این‌رهبر یاشورای‌رهبری‌دارای اختیارات وسیع، صاحب قدرت اصلی وشخص اول است وسرنوشت‌کشور بدست اوست. مثلا تعیین فقهای‌شورای نگهبان (یعنی گروه شش‌نفری مجتهدانی‌که نظر قاطع درباره‌کلیهٔ مصوبات مجلس شورا دارند - نگاه‌کنید به«مردم» شماره۶۳-بعهده‌اوست. یعنی‌درواقع باتصمیمات مجلس شورای ملی، که عالیترین ارگان منتخب همه مردم است، زیرنظر و نظارت وبسته به‌تائید و تصویب اوست.

نصب عالیترین مقام قضائی کشور یکی دیگر ازاختیارات اوست، یعنی علاوه برقوه مقننه، عمل قوه قضائیه هم منوط به صلاحدید و نظر اوست. فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور نیز با اوست ومنجمله نصب وعزل رئیس کل ستاد مشترك، نصب وعزل فرماندهٔ کل سپاه پاسداران، تشکیل شورای عالی‌دفاع، منجمله با دو مشاور به تعیین رهبر، تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه واعلان جنگ و صلح وبسیج نیروها، تائید صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری در دوره‌اول، اعضای حکم ریاست جمهوری وغیره نیز بنا اوست. یعنی علاوه برقوه مقننه وقوه قضائیه، درقوه اجرائیه و بویژه ارتش، که اساسی‌ترین‌بخش دستگاه اجرائی‌دولت است، نقش قاطع «بوده رهبر(یا شورای رهبری) است (موضوع اصل۸۷).

بعقیدهٔ بسیاری ازناظران، گردآمدن شرایط و صفاتی‌که برای رهبر یا اعضای شورای رهبری‌پیش‌بینی شده(موضوع اصل۸۶) در وجود یك شخص-اگر واقعا بخواهد بآن عمل‌شود- بسیاردشواراست وحمانند وجود شخص **امام‌خمینی** (که دراصل۸۳ نام برده شده) کاملا استثنائی ودرنتیجه برای آینده باحتمال قوی‌غیرممکن است .

مسئله مهم رهبر وشورای رهبری، ازاصل۸۴ ببعد درمتن جدید قانون اساسی مطرح میشود. چنین مطالب واصولی در متن پیش‌نویس اصولا وجود نداشت وبنابراین مقایسه‌ای هم نمیتوان بین نتایج‌کارخبرگان وآنچه‌که درخردادماه، بعنوان زمینهٔ کار ایمان و علت انتخاب‌شان به مردم عرضه شده‌بود، بعمل آورد.

عکس‌العملی که بطورکلی ازاشاعه‌کردن این اصول بقانون اساسی بوجودآمد، این بودکه بازمجلس خبرگان درصدد است‌بنوعی از حاکمیت ملی، ازنقش وکالت دادم ازجانب ولی، که راجع به‌این مسئله‌بحث بکنیم» دراینجا باردیگر همان بحث ماقبل (بهنگام طرح مسئله شورای نگهبان واصل ۵) مطرح میشودکه آیا درست است‌واصولامی‌توان موازین مذهبی‌راصورت فرمول‌های قوانین کشورداری تدوین کرد، یاقبول‌یکی از خبرگان، آنهارا «تنزیل داد»؟ این‌موازین دینی و الهی، اگرمورد قبول باشند،که هیچ‌نیازی به تسجیل توسط یك‌قانون ندارند وبعقیدهٔ اسلام شناسان اصلا امکان آنهم نیست. اگرهم مورد قبول نباشند،که‌بساهیچ قانون واصلی نمی‌توان آنهارا تحمیل کرد و قصد طرفداران واقعی اسلام‌هم مسلماً چنین چیزی نیست.

از همین‌روست‌که آنهمه نقاط نظر موافق و مخالف ابراز میشود وباردیگر مسئلهٔ ولایت فقیه وحق حاکمیت مردم بمناسبت طرح مسئله رهبر و شورای رهبری بمیان میآید، همان نمایندهٔ مجلس‌خبرگان،که خود مالولایت فقیه بمعنایکه یك اصل مذهبی‌مخالف‌نیست، وقتی رای نگارش و ثبت آن در قانون اساسی بمیان میآید نابدانجا دچار تردید میشودکه میگوید، «فکر نمیکنم مردمی‌که وکالت داده‌اند، وکالت داده باشند‌که راجع باین موضوع‌هم رای بدهم، نماینده دیگری‌در بحث مسئله رهبری گفت ، «من تردید دارم که آیا صلاحیت داریم برای بمدادز زمان حاضر تکلیف معلوم کنیم .»

در واقع‌کلیه اظهار نظرها و موضعگیریها را، اگر بررسی کنیم، پروشنی معلومهای میشودکه همگان‌از این امر ابراز نگرانی وترس میکنند‌که‌برخی‌معافل از رهبری وامامت بدیهی‌کنونی **امام‌خمینی**، که‌مورد قبول همگان است و در این لحظه تاریخی برای شرایط خاصی بدست آمده، در آینده سوءاستفاده کنند و در حالیکه آن شایستگی و شجاعت و صلاحیت علمی وعدالت وتدبیروتقوای ومدیریت وروشن‌بینی وعلم و اجتهاد دیگری وعصمت را،که درقانون مورد نظراست، ندارند، بخواهند همان مقام را احراز کنند و بدین ترتیب بجای رأی‌وقدرت وحاکمیت مردم، ناگزیررأی فردی وحاکمیت استبدادی و قدرت خودکامه جانشین شود.

درست از آنجاکه قانون اساسی را نه برای امروزویرای چندسال، بلکه قاعدتاً برای مدت زمانی نسبتاً طولانی تدوین میکنند، حسدت واهمیت همین اینهمه‌وبحق ـ افکارعمومی‌مارابخودمشغول‌داشته است. مجلس خبرگان متاسفانه ملاکها وضوابط لازم وصریح رابرای آنکه حاکمیت مردم وارداده تعیین‌کننده مردم نقش قاطع را داشته باشد، ایجاد نکرده وبرعکس با تهی‌کردن شوراها بعنوان ارگانهای حاکمیت مردم از اختیارات لازم وکافی، اصل اساسی حاکمیت ملی رادور نظرنگرفته‌است.

**این بحث ادامه دارد**

## قانون نحوه واگذاری واحیای اراضی به سود سرمایه داران و غارتگران به زیان دهقانان است

بقیه ازصفحه ۱

از آن مهمتر مسئله بسیار اساسی و گـرهی در این ماده قانون، تسجیل نهاد «مزارعه» است . «مزارعه» بسا-اسلام (استعمر، اسلامی مردمی وانسانی، چگونه‌می‌تواند انطباق یابد؟ صاحبنظران معتقدندکه «کلمه مزارعه در قرآن‌هم دیده نمی‌شود،شاید مسلمانان عرب این روابط ملکی‌را از ایرانیان اخذکرده‌اند... بدرافقهای مزارعه، چیزی‌جزشکلی ازسرواژ، یادوسایتبندگی‌نیست، زیرا «درمزارعه، زارعان نوعی وابستگی بزمین، حداقل برای مدتی، پیدا میکنند وحال‌آنکه «هیچوقت فقه اسلام، بخصوص فقه شیعه، زارع را وابسته بزمین ندانسته است.» (پژوهشی درجامعه روستائی‌ایران).

مجاهدنقید، **آیت‌اله طالقانی** مینویسد،

**«برحسب موازین حقوقی اسلام ، کشاورزان «مجبور ومحکوم به‌کار نبوده‌اند ومیتوانستند بااختیار و حقوقی‌بین بین کارکنند و میتوانستندکارنکنند وهجرت نمایند.** (اسلام و مالکیت). بااینهمه، درقانون مورد بحث، قـانـگذار ظاهراً قانون مدنی ایران را، که برخی‌اصول وموازین اسلام راتعیین«مزارعه» را تایید میکند، (ماده ۵۱۹) به‌عاریت‌گرفته است.

ماده ۲ قانون نحوه واگذاری...» ، که وزارت کشاورزی تدوین‌کرده، براداعه ویرانگاری «اصلاحات ارضی» محمدرضاشاه وسایر «قوانین موضوعه» صحه میگذارد. در این ماده گفته میشود «**حقوق اشخاص براراضی دایر**، اعم از آنکه ناشی از احیای اراضی،عقود ومعاملات، انتقالات قهری وهمچنین واگذاری خالصجات وامملاك یا **عنوان واگذاری اصلاحات اراضی باشد، براساس قوانین موضوعه معتبر ولازم الرعایه است.**»

حقیقت‌این‌است‌که علی‌رغم انحطاط کشاورزی و تورم‌روزی دهقانان را باید در برداشت واجرای‌اتوانهای به‌اصطلاح «انقلابی» رژیم گذشته، نظیر قانون اصلاحات ارضی، قانون ملی شدن منابع آب، قانون ملی‌شدن جنگلها ومراتع و . جستجو کرد.

براثر اجرای قانون «اصلاحات ارضی»،کارگران کشاورزی وخوش‌نشینان‌نهی‌دست ودهقانان بی‌زمین‌وکم‌زمین، که‌گاهی بیش‌از نیمی‌ازجمعیت روستا راشامل میشود،اززمین‌محروم‌مانده‌اند. مالکیت قطعات زمین، که بدهقانان «نسق‌دار» واگذار شد ، در ۸۰درصد واحدهای بهره‌برداری کمتراز۲ هکتار است. بیش‌ازنیمی‌ازهمین «صاحبان اراضی» کمتراز۲هکتار زمین دارند. این دهقانان از کمکهای مالی و فنی دولت محروم مانده‌اند. وامهای «بلاعوض» و همه امتیازهای دولتی به‌گروه خاصی از زمینداران و سرمایه‌داران اختصاص یافت. این گروه‌که۷ درصد خانواده‌های بهره‌بردار را تشکیل میدادند، جمعا۱۶ درصد اراضی را- هریك از ۵۰ تا چند صدهکتار- برای خود نگاهداشتند.

مالکان و سرمایه‌داران ،که ،به‌بهانه‌های گوناگون مرغوبترین وحاصلخیزترین زمینها وباغها را دراختیارخود نگاهداشتند، بسا استفاده ازراههایی‌که همان‌قانون پیش پای‌آنها نهاده بود، طی ۱۶ سال اخیر، ۱۰ملاك واراضی غصبی خودرا به حساب زمینهای‌مشاع یا مفروزدهقانان بازمحکمه‌گرفتن دادند وبدینسان سلطه شوم خود رابر اقتصاد ومعیشت روستائیان بیش ازپیش استحکام بخشیدند، چنانکه امروز هم در جوانقلابی ایـران ، بعنوان عمده‌ترین عناصر ضدانقلاب درروستاها بغارت وکشتاروبرانی وخرمن‌سوزی وغصب زمینهای دهقانان ادامه میدهند. براثراجرای «اصلاحات ارضی» بودکه دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین، حتی دهقانانیکه باداشتن عنوان «صاحب نسق» چندهکتارزمین به‌آنها رسیده بود، هرروزفقیرتر و تهی‌دست‌ترشدند، تا آنجا که دراسالهای اخیردرهمه نواحی روستائی ایران خیل عظیمی اززحمتکشان اززمین وخانه خودکنده شدند و برای یافتن نان وکارآواره شهرها وجاده‌ها گردیدند.

بنابرنوشته یکی ازاصحابنظران، «اصلاحات ارضی سبب شد که تمرکزمالکیت فقط ۹ درصد جابجا شود و چون بدون پشتوانه مطالعات خاکشناسی،که لازمه این‌کارات، انجام‌گرفت، لذااختلاف حاصلخیزی بین قطعات تقسیم شده، خود موجب اختلاف درآمدبین زارعان‌گردید.»

روزنامه جمهوری اسلامی (۳ مرداد) نـوشت، «اصلاحات ارضی درسال ۴۱ پیاده شد، وچون فقرتحمیلی فئودالها وزیر سلطه نگاهداشتن کشاورزوزرگذشته تهی‌زامکان رشد وگسترش بـه‌کشاورزی نمی‌داد، لذا کشاورزقادربه توسعه زمین خودنبود وهمیشه‌مقدارزمین زیرکشت، کفاف تامین مخارج زندگی‌کشاورز را نمی‌داد. در سال ۴۱ همان مقدارزمین راکه سالها کشت میکرد... درنفع نهادبقیه رساندند... درحالیکه زودبند زمینخوار. ان طرق مختلف داشت، تا جائی‌که عده‌ای‌زمینخواره‌زمینهای‌کشاورزان رابزنام قلمستان وغیره خریداری وباتوسل به زور کشاورز را اخراج وآواره میکردند.»

تمام این پنای‌شوم‌وضدمردم‌دهقانی «اصلاحات‌ارضی» شاهانه است که درقوانین جدید، توسط وزارت‌کشاورزی تحکیم وتسجیل‌میشود. جالب این‌است‌که درهمین قانون جدید، قانون‌رسوای ملی‌شدن‌جنگلها ومتابع، به‌حقیقت «قانون جنگل» بود، مانند «قوانین وضوع» دیگر اعتبار خودرا باز میهابد (نبصره ماده ۲۱).

باچنین ملاحظاتی است‌که جامعه انقلابی ایران باین‌نتیجه منطقی میرسدکه، درمسئله اساسی‌ما‌لکیت‌ارضی‌کشاورزی «کلمه‌مان کلمه است‌وآن‌همان‌آن‌ش‌ا ۱۴ قانون‌ونحوه‌واگذاری «احیای‌اراضی...» درحقیقت همه آنچه راکه نظام منفورپهلوی دراین زمینه‌به‌کاربسته است، به‌صورتی دیدند صحه میگذارد ودررواه توسعه و تکامل بعدی آن‌گام برمیدارد.

قانون مذکور باهتویات رهبری انقلاب نیز آشکارا مباینت دارد. دراین زمینه به‌آن توصه‌های **امام‌خمینی** توجه داریم که، **بارها تاکیدکردند مشکل‌کشاورزان وافرادی‌که دارای‌حق اراضی مزروعی هستند، بایستی توسط کارشناسان و مقامات مسئول دولت حـل شود وتجدیـد نظـر در تقسیم زمینها و واگذاری آن به‌کسانی‌که روی زمین‌کار میکنند،** وافرادی‌که دارای حقی هستند، ازنظرشرعی اشکالی‌ندارد.» (ازگزارش‌دادستان انقلاب اسلامی‌گنبد وگرگان-کیهان، ۵ مهر).

تحلیل این‌ازوده‌ده گرهی از قانون جدید نشان می‌دهـدکه محتوای آن،

ـ باروح‌انسانی ومردمی اسلام مغایراست ومطلقاً به‌اصول وموازین شرع مقدس اسلام» توجه ندارند.

ـ درجهت گسترش وتنفیذ هرچه وسیعتر «اصلاحات ارضی» محمد رشاهنامی گام برمیدارد، راه را برای تثبیت وتحکیم هرچه بیشتر سلطه سرمایه‌داری درراقتصاد کشاورزی ـ که هدف اساسی‌رژیم است نشانده امپریالیسم وصهیونیسم بود ـ بازوهموار میسازد.

ـ طالبانده است، زیرا نیروروزی وقتی دهد، نان رافزایش میدهد، زنجیر اسارت زحمتکشان روستاهارا محکمتر میکند و به دهقانان کم‌زمین وبی‌زمین وآواره وگرسنه چیزی نمی‌دهد.

قانون جدید وزارت‌کشاورزی، گلخنه آزاده اصلی‌مانبود، جواب بسیار زیانبخش وضدمردمی دیگری نیز دارد،که می‌تـواند موضوع بحث دیگری قرارگیرد.

## رهبران مائولیست چین هم رژیم قابوس را تقویت میکنند

درحالیکه کشورهای منطقه خلیج‌فارس ازبدو اخیر رژیم قابوس در سرهم‌بندی کردن یك پیمان نظامی تازه احساس نفرت می‌کنند، رهبران مائولیست چین، دست دردست آمریکا، میخواهند رژیم عمان‌را تقویت کنند. به‌گزارش خبرگزاری‌ها، معاون وزارت خارجه چین، ظرف چند روز آینده برای مذاکره باقابوس راهی عمان میشود سال‌گشته وزیرخارجه عمان رسماً ازپکن دیدن کرد واین‌سفر همکاری میان‌رژیم عمان وحکومت پکن‌را تحکیم‌بخشید. بدین‌ترتیب یکبار دیگر هدف‌اصلی از سرهم‌بندی‌کردن به‌اصطلاح تئوری «سه‌جهان» بخوبی روشن میشود.

## تحریکات امریکا درافیانوس هند

امپریالیسم امریکاکه دردریای‌کارائیب دست به‌نمایش‌قدرت زده است، درافیانوس هند نیز تحریکات را افزایش داده است وزارت جنگ‌امریکا اعلام‌کرد، ناوهواپیمابر «میدوی»را همراه باشش‌رزمناو وناوشکن موشك‌انداز روانه افیانوس هندکرده است. گفته میشود که نظامیان امریکا تصمیم دارند در آینده بر افیانوس هند، و بویژه در آبهای نزدیك شبه جزیره عربستان، یك ناوگان دائمی مستقر کنند. بعد از پیروزی انقلاب ایران، امریکا ناوهای هواپیمابر به آبهای نزدیك خلیج‌فارس اعزام کرده بود. اعزام ناوگان امریکایه افیانوس‌هند خشم‌کشورهای‌ساحلی را برانگیخته است.وزیرخارجه هند اعلام‌کردکه‌تقویت‌ناوگان جنگی امریکا درافیانوس هند، برای هند غیرقابل قبول است.

## دیدار پشتیبانان دیکتاتور پاکستان بادیکتاتور

وزیر دفاع‌چین تنها چندساعت پس‌از هجوم جدیددیکتاتور پاکستان به‌آزادیها ودستگیری وبازداشت ومحاکمه آذادیخواهان این‌کشور، راهی پاکستان شد. دراین سفر یك‌هیأت نظامی-سیاسی چین نیزوزیردفاع این‌کشوررا همراهی میکنند. این‌سفردر ارتباط مستقیم با کودتای مجدد دارودسته ضیاءالحق علیه مردم سعدید،واین کشورصورت میگیرد‌وهدف‌ازآن‌تقویت ارتش دیکتاتور پاکستان برای‌سرکوب خلق این‌کشور وشرکت در توطئه‌های امپریالیستی علیه حکومت دمکراتیك افغانستان وعلیه انقلاب ایران است.

## واکنش مثبت درباره پیشنهاد لئونید برژنف

پیشنهادهای اخیر لئونید برژنف در موردکاهش نیروهای نظامی‌اتحادشوروی مستقر درجمهوری دمکراتیك‌آلمان، باستقبال فراوانی روبرو شده‌است. اما محافل ارتجاعی ونظامی آمریکا و ناتوهمچنان سرباز‌ند پیشنهادهای اتحاد شوروی را وارونه جلوه دهند، بلندپایه‌ترین لحنت وزیر وقت ترکیه گفت ، «پیشنهادهای لئونیدبرژنف ازاهمیت فراوانی برخوردار است ونشان‌دهنده‌تمایلات صلح‌جویانه اتحادشوروی است، ، اجویت اضافه کرد، «پیشنهادهای شوروی دارای عوامل سازنده‌ای است.

## رویدادهای جهان

### اعتراض به‌هیستری نظامی‌امریکا دردریای‌کارائیب

کشورهای حوزه دریای کارائیب و محافل مترقی امریکای لاتین به‌اقدام آمریکا درمورد دامن‌زدن به‌هیستری نظامی درمنطقه کارائیب شدیداً اعتراض‌کرده‌اند. یکزارش خبرگزاریها، پیش‌ازدو هزار سرباز امریکائی در پایگاه گوانتانامو پیاده شده و دست به نمایش‌قدرت زده‌اند.

امریکا بطورغیرقانونی این‌پایگاه‌را،که معنای یکوباایست، درداشتان خود دارد، روزنامه های کشورهای حوزه دریای کارائیب اعلام‌کرده‌اند‌که هدف اقدام‌های امپریالیسم آمریکا ، فرو نشاندن امواج انقلابی خلقهای امریکای‌لاتین است. یك روزنامه‌چاپ‌پاناما اعلام‌کرد‌که امریکا همچنان تلاش دارد ماندن‌گذشته دریای‌کارائیب رابایدرپاچه آمریکائی» بداند. چندروزقبله دیگر نوشته‌اند‌که هر خلقی باید آزادانه سرنوشت خودرا تعیین‌کند وبنابراین‌اقدامهای آمریکا نقض‌آشکار حقوق‌بشر است. که زمامداران آمریکائی برای آن اشك‌تمساح میریزند .

### رفیق‌بیژن، هدیه‌ات‌رسید متشکریم.

**شرکت تولیدی کفش شادان‌پورتکذیب میکند**

شرکت‌تولیدی‌کفش شادان‌پور خبرمی‌بود، باین‌کارخانه را،که‌کمتر مردم شماره۹ چاپ‌شده‌است‌ملی نامه‌ای تکذیب کردهاست .

مردم- مانیز بتوبه خود در باره درستی‌یا نادرستی این‌خبر،به تحقیق خود ادامه‌خواهیم‌داد.

### آقای‌مهدی کیهان آزادشد

دیروزآقای‌مهدی کیهان، که بطورکاملا غیرقانونی درباز‌داشت بود، آزادشد. تفصیل‌این‌باز‌داشت غیرقانونی درشماره دیروزمردم، باطلاع خوانندگان‌گرامی‌رسید.

ماازآزادی آقای‌مهدی‌کیهان خوشحالیم و موفقیت ایشان را آرزومندیم .

### رفقای‌کمیته مرکزی حزب‌توده ایران

اعضاء وهواداران حزب‌توده ایران در سراسر ایتالیا با شوق فراوان، با استقبال‌از ۳۸ امین سال تأسیس حزب تودهٔ ایران و تحکوم تسلوفیت و فعالیت خلنی حزب و بـرای تبریك بمناسبت گشایش‌مجدد دفتر مردم‌ودبیرخانه حزب‌عزیزما، هریك با پرداخت کمك ، شاخه‌ای از دسته‌گل‌های سرخ را به شماء و تمام اعضاء و هواداران بسه طبقه‌کارگر و همه مردم انقلابی وزحمتکش ایران تقدیم میدارند.

با این‌حساب فعلا معادل‌یك میلیون لیر ازما بوفدیر پند.

با شوق فراوان «یکانیکان راودآغوش میکشیم.

**رم - نمایندگی حزب توده ایران**

### اعتصاب یکساعته کارگران کارخانه دیسمان، واقع در۲۲ کیلومتری اصفهان

درتاریخ ۷مهرماه، در کارخانـه دیسمان، در۲۴ کیلومتری اصفهان، واقع درجاده تهران، یك اعتصاب یکساعته بوقوع‌پیوست. انگیزه اصلی اعتصاب،نادیدن حقوق ماه‌مانه از طرف‌کارفرما بود، بدین‌طریق‌که، طبق معمول‌هرماه،پنجم پرچ حقوق‌کارگران‌شرکت پرداخت میشد. ولی این ماه‌کارفرما بیهانه اینکه پـول نداریم، حقوق‌کارگران را سرموعد پرداخت نکرد ـ یکی‌ازکارگران‌که چندماهی ازشروع‌کارش میگذرد، قبلا سراین‌موضوع باکارفرماوار. مذاکره شده‌بود، که بی‌نتیجه ماند.

بدین‌ترتیب در آغاز بکارگران شروع بـه کارکردند و خواستارپرداخت حقوقشان شدند. بحث‌وگفتگوئی‌تند بین‌کارگران ونمایندهٔ‌کارفرما،که رئیس‌کارخانه‌هم هست، درگرفت، درآخرقرار براین شدکه‌کارگران شروع بکارکنند ودراولین‌فرصت حقوق آنان پرداخت‌گردد.

### ب- در زمینه سیاست خارجی

۱. دفاع از تمامیت ارضی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی واقتصادی‌کشور.

۲. لغو کلیهٔ قراردادهای نابرابر اقتصادی، سیاسی و نظامی علنی ویا سری‌که امپریالیسم ورژیم سرنگون شده بـه کشورما تحمیل‌کرده‌اند.

۳. لغو قرار دوجانبهٔ نظامی بااامریکا.

۴. پیشنهاد عقد قرارداد دوستی و عدم تجاوز به همهٔ کشورهای همسایه بویژه بـه عراق، ترکیه، افغانستان، اتحاد شوروی وپاکستان.

۵. اعلام بی‌طرفی ایران وپیوستن آن به‌جرگ‌کشوره های غیرمتعهد.

۶. پشتیبانی از انعقاد پیمان‌امنیت دسته‌جمعی‌درمنطقهٔ خاورمیانه ونزدیك دسراسر آسیا.

۷. پشتیبانی مادی‌ومعنوی همه جانبه از جنبش‌های انقلابی‌وآزادیبخش ملی‌شد امپریالیستی ودردوجدال‌ازجنبش آزادیبخش‌خلق‌قهرمان‌فلسطین.

۸. کوشش برای برقراری روابط دوستانه و همکاری همیشگی‌بر برابری حقوق وعدم مداخله درامور داخلـی با همهٔ کشورهای جهان.

۹. دفاع ازصلح جهانی واجرای پیگیراصول‌همزیستی مسالمت‌آمیز.

### ج. درزمینه‌دفاع وحفظ امنیت کشور

۱. تصفیهٔ‌کامل ارتش ازتمام‌عناصرضد ملی‌وفاسد.

۲. دگرگونی بنیادی درنظام درونـی ارتش بـرای تبدیل‌آن به‌ارتش واقعا ملی، دموکراتیك وخلقی از طـریق تشکیل کمیته‌های ملی سربازان، درجه‌دارانوافسران و تأمین حق‌شرکت همهٔ افراد ارتش درحیات‌سیاسی‌کشور.

۳. کاهش بودجه ونفرات ارتش تاحـدتأمین‌نیازمندی های واقعی‌دفاعی‌کشور.

۴. بسط همه جانبهٔ بازرگانی داخلی وکمك مؤثر به ترقی آن به‌منظور گسترش وتحکیم بازار داخلی، پایـان دادن بهسیاست‌تباهی آور ورهای باز وایجاد شرایط لازم‌برای تامین فعالیت سودمند سرمایه‌داران ملی.

۵. تجدیدنظر درتوزیع ذرآمدملی، برمبنای تنظیم وتعدیل بودجهٔ دولتی، باتوجه به اصل اولویت های اقتصادی حذف‌کلیهٔ هزینه‌های زائد وتخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع وهمه‌جانبه‌اقتصاد، فرهنگ وآموزش عالی.

۱۲. اصلاح‌بنیادی سیستم‌مالیاتی بسود ناطبقین کار- های جسمی وفکری ودرشهر وده.

### هـ. درزمینه بهبود زندگی

**۱- کارگران**

ـ تأمین شرکت‌برابر کارگران‌ورادارهٔ امورمؤسسات صنعتی وکشاورزی واز آن جمله درتنظیم برنامهٔ تولید و برقراری تناسب عادلانه میان سود وحقوق.

ـ تنظیم قانون‌کار برنیاد دمکراتیك.

ـ تامین اشتغال وتلفی آن به‌مثابه حق‌مسلم‌شهروندان کشور، ازمیان بردن بیکاری درسراسر کشور.

ـ به‌رسمیت شناختن قراردادهای دسته جمعی و ایجاد تضمین‌های لازم برای اجرای آنها.

ـ افزایش فوری دستمزدها، متناسب باکارونیازمندی های درجه اول مادی ومعنوی زحمتکشان وخانواده‌های آنها، باتوجه به‌توسانات هزینهٔ زندگی.

ـ کاهش ساعات‌کار در هفته درهمهٔ رشته‌های تولیدی‌و افزایش‌مدت مرخصی‌سالانه بااستفاده‌ازحقوق باتوافق‌نمایندگان منتخب‌کارگران.

ـ تنظیم قوانین مترقی بیمه‌های اجتماعی بسود همهٔ زحمتکشان وخانواده‌های آنها، تأمین خدمات‌پزشکی‌وداروی رایگان برای آنان.

ـ تأمین مسکن متناسب برای‌کارگران.

ـ تجدیدنظر در طبقه‌بندی مشاغل.

ـ افزایش مستمری‌کارگران بازنشسته.

**۲- روستائیان**

ـ واگذاری اعتبارات دولتی فوری، بـلند و کود و کمك‌های فنی به‌دهقانان خرده‌پا ومیانه‌حال.

ـ کمك همه‌جانبه به‌ایجاد شرکتهای تعاونی‌تولیدی دهقانی، گسترش شرکتهای تعاونی فروش و مصرف بـه سود دهقانان وخرید محصولات کشاورزی به‌بهای عادلانه.

ـ حل عادلانهٔ مسئلهٔ آب بسود دهقانان.

ـ الغای واپها واقساط زمین وتضمینات‌مادی‌دیگری که رژیم سرنگون شده به‌دوستانیان تحمیل‌کرده است.

**۳- زنان**

ـ تأمین‌کلیهٔ حقوق اجتماعی وسیاسی زنان برابر با مردان.

ـ پرداخت مزد یکسان به‌زنان دربرابرکار یکسان‌با مردان، منع‌کارکودکان.

ـ واگذاری‌مرخصی‌های‌درازمدت، بااستفاده‌ازحقوق، برای زنان زحمتکش در دوران پیش وبعدازاِیمان.

ـ ایجاد شبکهٔ وسیع‌آزایشگاهها وشیرخوارگاهها و کودکستانها برای استفادهٔ زنان زحمتکش.

**۴- کارمندان**

ـ تقسیم صحیح‌کار درادارات، ترفیع‌براساس‌آزمودگی وکیفیت‌کار وسوابق خدمت.

ـ تجدیدنظر درقوانین استخدامی بر بنیاددمکراتیك وجلوگیری ازهرگونه تبعیض درمورد آنان.

ـ تأمین‌مسکن متناسب برای‌کارمندان.

ـ ضمانتی‌ی حق تشکیل سازمان‌های صنفی برای هـمهٔ کارمندان مؤسسات و ادارات دولتی و خصوصی و تـأمین حق اعتصاب.

**۵- جوانان**

ـ تجدیدنظر بنیادی درنظام آموزش.

ـ رایگان بودن‌آموزش از دبستان تـا دانشگاه و پرداخت مدد معاش دولتی به فرزندان‌کارگران وکشاورزانبد کارمندان‌که در آمد.

ـ گسترش شبکهٔ آموزش‌های حرفه‌ای رایگان.

ـ تأمین امکانات وسیع ورزشی و تربیت‌بدنـی و توسعهٔ مؤسسات ورزشی و ایجاد باشگاه‌های فرهنگی درشهرها و روستاها.

ـ تأمین کتابخانه‌ها وقرائت‌خانه‌های دولتی‌عمومی‌در سراسرکشور با حق استفادهٔ رایگان ازآنها.

**۶- پیشه‌وران**

ـ واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته‌های‌گوناگون پیشه‌وری.

ـ تشکیل اتحادیه‌های ویژه پیشه‌وری برای دفاع از خواستها ومنافع صنفی پیشه‌وران.

ـ تشویق‌کارهای دستی‌هنری ملی.

### و. در زمینه فرهنگ

۱. ریشه‌کن ساختن همهٔ آثارفـرهنگ استعماری از زندگی روزمرهٔ مردم.

۲. گسترش شبکهٔ آموزش و پرورش درسراسر کشور، رفع کمبود شدید دبستان و دبیرستان، ایجـاد شبکهٔ وسیع آموزشگاه‌های حرفه‌ای، مدارس عالی ودانشگاه‌ها.

۳. توجه خاص به ترقی فرهنگ مشـاعلی عقب نگاه داشته شده.

۴. ایجاد سیستم فرهنگ ملی برای‌خلق‌هاوقائیت‌های ملی وتأمین آموزش به زبان مادری.

۵. ایجـاد فرهنگستان علـوم ایران وتشکیل شبکهٔ وسیع پژوهش‌گاههای علمی وفراهم‌کردن شرایط لازم‌برای‌کار خلاق وتمربخش دانشمندان.

۶. کمك مؤثربه‌گسترش و رشد مطبوعات و انتشارات مترقی دموکراتیك.

۷. تامین شرایط لازم برای پیشرفت آفرینش‌هنری.

۸. تامین‌آزادی برای نویسندگان وهنرمندان‌برپایهٔ خواستهای حقهٔ سازمان‌های صنفی آنها.

### ز. در زمینه دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، محکومان رژیم سابق وخانواده‌های قربانیان علیه استعمار واستبداد.

۱. اعلام‌بیدرنك بی‌اعتبار بودن‌کلیهٔ احکام‌دادگاههای نظامی علیه مبارزان ضد رژیم سابق و اعـادهٔ حیثیت از همهٔ آنان.

۲. تشکیل فوری‌کمیسیونی باشرکت‌کنایندگان‌منتخب زندانیان سیاسی برای تبیین و جبران‌کلیهٔ خسـارتی‌که در نتیجهٔ زندانی‌شدن به این مبارزان وارد آمده است.

اختیارات وامکانات قانونی ومادی این‌کمیسیون‌برای جبران این خسارات باید ازطرف دولت تامین‌گردد.

۳. کمك فوری وردسودت لزوم تبیین مستمری به بازماندگان قربانیان رژیم سابق توسط‌کمیسیون خاصی بـسا اختیارات قانونی ومادی لازم.

چنین است دلوس‌کلی برنامه‌ای‌که به‌نظرحزب تودهٔ ایران می‌تواند همهٔ نیروهای مدافع انقلاب ملی خلق‌قهرمان ایران را - ازمبارزان بیقهرمان آیت‌اله خمینی‌گرفته‌تاحزب تودهٔ ایران وسایر نیروهای انقلابی چپ، دریك جبههٔ واحد

بقیه درصفحه ۴



# تشکیل جبهه متحد خلق یك وظیفه مبرم انقلابی است

شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، که درسلسله‌مباه۱۳۵۷ یعنی پلافاصله پس‌از پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران، تشکیل شد، بـاردیگر عمق مسئولیت خطیر ملی‌ومیهنی‌خویش، در این لحظات حساس تاریخی توجه شما را بیك سلسله نکات مهم واساسی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و بیرون رفت کشوراز بحرانی‌که طی دهها سال فرمانروائی امپریالیسم و رژیم وحشت‌زا دیکتاتوری گریبانگیر میهن‌ما شده است، جلب می‌کند.

با سرنگونی رژیم فاسدسلطنتی و اعلام دولت موقت انقلابی، نخستین مرحلهٔ انقلاب ملی و دمکراتیك ایران به پیروزی عظیم تاریخی دست یافت. دراین‌انقلاب بـزرگ، همهٔ مردم، سوای گروه ناچیز خائن به‌منافع ملی، در یـك جبههٔ متحد شرکت کردند وباجانبازیهای کم نظیر خـود صفحات درخشانی به‌تاریخ انقلاب‌های خلق‌های ستمدیدهٔ جهان افزودند. خلق قهرمان‌ایران، ازهمان نخستین روزهای‌گسترش پرشتاب جنبش انقلابی خویش، خواستهای اساسی خود را به شرح زیرین مطرح ساخت:

ـ برانداختن نظام فاسدسلطنتی ودرهم‌شکستن‌دستگاه خیانت، غارت، اختناق، جنایت وفساد .

ـ استقرار جمهوری متکی براراده‌ٔ خلق وتامین‌کامل کلیهٔ حقوق و آزادی‌های فردی واجتماعی دموکراتیك.

ـ پایان دادن به‌تسلط نظامـی ، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم.

ـ برچیدن بساط غارتگری بی‌بندوبار سرمایه‌داران بزرگ وابسته به‌امپریالیسم وزمین‌خواران وزمین‌داران‌بزرگ، باز گرداندن ثروت‌های غـارت شدهٔ ملی به ملاکیت همگانی خلـق .

ـ ایجاد نظام عادلانه اقتصادی برپـایه بهره‌برداری معقول

# مردم و مردم

**فریبا احمدی کاشانی**، دانشجوی دانشگاه ملی، طی مقاله‌ای باعنوان «درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق‌زن درپرده ابهام مانده است»، این مساله‌را مورد تحلیل وتفسیر قرار میدهد، مامقاله این دوپاراگراف اختصار نقل میکنیم،

زن بعنوان موجودی که از ستم مضاعفی دررنج است، همیشه در مبارزات حق‌طلبانه مردم ایران نقش فعالی داشته و زنان‌ما به خوبی دریافته‌اندکه مبارزشان برای بدست‌آوردن حقوق خود هیچگاه ازمبارزه ـ مستضعفین برعلیه مستکبرین جدا نبوده است.

«سازمان زنان» فرمایشی رژیم پهلوی، بهمن کردگی اشرف، تمام‌هم‌خودرا علیه این هوشیاری زنان بکار برد. تامبارزات‌زنان‌مارا ازمسائل یك‌مبارزه‌سیاسی،به‌مطلب‌یك نهضت مبتذل‌فمینیستی (دشمن‌زن بامرد) تنزل دهد. بدینمنظور، رنگین‌نامه‌های‌زنانه، مرددا دشمن اصلی زن معرفی میکردند ودعوای زن‌ومرد را دامن میزدند. اما زنان‌ما بحق دریافتندکه اینها فریبی بیش نیست و آزادی آنها درگروآزادی‌دیگرهموطنانشان‌است...

این درس‌را زنان آموختندکه دست زخمی شوهران‌کارگر و برزگر وپیشه‌های بدون نشسته را مرهم میگذاشتند. این درس را زنان‌آموختندکه باچشمان اشکبار، ولی‌باچنگ ودندان بامامورین جلاد ساواك روبرو میشدند.

این‌واقعیت را زنـان زیر شکنجه وحشیانه ساواك درك کردند . این درس را زنان درکنار مردان، وقتی به‌استقبال گلوله میرفتند، آموختند.

انتظار زنان ایرانی از قـانـون اساسی جمهوری اسلامی، انتظاری دوراز ذهن مردم انقلابی جامعه‌مان نیست وهمین‌جاست که این سئوال مطرح میشود، پس‌چرا حق‌ما روشن وواضح عنوان‌نشده تاهرقلدری نتواند به‌هرنحوکه خواست آنرا برای خودتفسیر کند!

ما،درقی‌پادها،یمان‌وردشمارها،یمان‌سریع وروشن‌وپاسداره‌ترین کلمات دست دردست تمامی ملت‌ایران، شاهدا ازتخت سلطنت‌پائین کشیدیم وپاسداره‌ترین‌کلمات، آزادی،راخواستار شدیم...

تصریح آزادیه‌ـای‌ما و پیرایـرسی‌حقوقـما بامردان، احتیاج‌به کلمات قابل تفسیر ندارد. درقانون اساسی‌گفته شده‌که «همه‌افراد، اعم از زن ومرد، یکسان درحمایت قانون قرار دارند وازهمه‌شئون انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وفرهنگی **با رعایت قوانین اسلام** برخوردارند.»

این قوانین اسلام چیست؟ ماازـ ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون شاهد انواع واقسام قوانین بنام اسلام بوده‌ایم وهمه حکومتهاهمدعی بودند که مجری احکام اسلام‌اند، ولی شاهد بودیم‌که این‌قوانین جزمتم ورنج برای زن چیزدیگری به‌همراه نداشته است. پیغمبر اسلام درآن زمان دررمورد حقوق زن انقلابی عمل‌کرد، زیـراکـه فرزنددختر را زنده‌بگورسپردن نجات داد وحقوقزن را،آنطور که درآزمان مقتضی بود، درنظرگرفت.

حال‌که انقلاب دوباره‌ای کرده‌ایم، چراتباید نظیر انقلاب ۱۴۰۰ سال پیش را درقانون اساسی بیدادِ انقلابمان بپیچیم. آیا عنوانات جامعه چنین انقلابی‌را نمی‌طلبد؟

حقوق زن رابطه‌ای عضوی بـادیگرحقوق انسانی درجامعه دارد. نقض این حـق، نشانه ناقص بودن حقوق انسانـی در جامعه ماست .

**بهنام عبداللهی**، دانشجوی مسلمانی‌که در پایان‌نامهٔ خود برای حـزب تودهٔ ایران و دبیر کل آن آرزوی موفقیت نموده ، سیاست حزب را مورد انتقاد قرار داده وآنرا «توبه‌ای روی مطلق ازسیاست شوروی ودولت مهندس بازرگان» خوانده است. ما‌به‌این دوست ودوستان مسلمانی‌که میل دارند به‌قضاوت وداوری صادقانه و بیطرفانه درمورد حزب تودهٔ ایران بپردازند، توصیه میکنیم ، بجای‌آنکه قضاوت خودرا بر پیشداوریها و نظریات شد و نفوض و احیانا مغرضانه وغیر واقعی، ازجانب دشمنان در مورد حزب تودهٔ ایران وجود دارد، متکی سازند، به‌استماع ونظریات ونشریات خود حزب تودهٔ ایران مراجعه کنند، در آصورت خواهند دیدکه آنچه دوستما «توبه‌ای روی مطلق ازسیاست شوروی» میناهند، نامی جز «همبستگی و دوستی برابر حقوق» وآنچه‌که «توبه‌ای روی‌مطلق‌از دولت‌مهندس بازرگان» میخواند، نامی‌جز «انتقاد سازنده» نخواهد داشت. ما‌به‌این امـر تاکید داریم ، انتقاد سازنده، نخواهد مسلمانی‌که بااین برخورد اصولـی (صحیح)، نظریـات حزب‌ما را تایید وپیشداوریهای خود را تصحیح نموده‌اند.

**پروین**، شعری به‌حزب پدرش ، شوهرش و بچه‌هایش تقدیم کرده، که قطعه‌ای ازآن چنین است:

سرشار زنادیم زانکه دوباره جان گرفت/ حزب‌پدرم، حزبی که توده ازآن توان گرفت/ حزبی‌که رهش رهاندن نـوده زجور است/ درراه رسیدن به‌هدف سنگ صبوراست/ حزبی‌که بس‌سپیده‌دم کشته بداده‌ـست/ صبحانی همه خونین ودلش غرق غرور است.

## مراسم باشکوه بیست و پنجمین سالروز شهادت افسران توده‌ای در مشهد

رفیق عباس حجری، عضوهیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در حال سخنرانی

بیست وپنجمین سالگـرد شهادت افسران سازمان نظامی حزب تودهٔ ایران، در مشهد، با حضور **رفیق عباس حجری**، عضوهیئت سیاسی کمیته‌مرکزی حزب تودهٔ‌ایران ویکی ازفاتحان بیست‌وپنج سالـه‌شکنجه‌گاههای شاه‌مخلوع‌برگزار شد.

دراین مراسم، که‌درتالار دانشکده‌پزشکی دانشگاه مشهد بـرگزار شد، گـروه زیادی از اعضاء،هواداران و یـاران حزب توده ایران و صدها تن از مـردم مشهد شرکت‌کرده بودند. خبرنگار مـردم از مشهد ، درباره این مراسم گزارش‌زیر ین را فرستاده است :

دانشکدهٔ پزشکی،با‌این بلاکارد تزئین‌شده بود، « مقـدم رفیق عباس حجری، عضو هیئت‌سیاسی کمیته مرکزی‌حزب‌تودهٔ‌ایران، عضوسازمان‌افسری، فاتح ۲۵ ساله‌شکنجه‌ـ گاهها و زندانهای رژیم شاه یا گرامی میداریم.»

عکسهای شهدای سازمان نظامی حـزب تودهٔ ایران، با چهره‌های مصمم و استوارجمعیت را خوشامد میگفتند. پیرمردی، دقایقی چندبه عکس رفیق **سیامك** خیره شد و باچشمانی‌پراز اشك گفت، «آره، من‌همه‌شونو بخاطردارم، بعد از تیرباران رفقا، شهرگنبد را مـاتمی عظیم درگرفت، هـر چشمی را میدیـدی اشکبار بود ... و رفیق حجری را هم من میشناسم، یکبار درزندان شیرازدیدم».

در کنار عکس شهدا، پیام‌کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت چهلمین‌روزدرگذشت مجاهد نستوه **آیت‌الله طالقانی** نیز نصب شده بود.

آنگاه‌یکی‌ازرفقامختصری‌اززندگینامه‌رفیق **حجری** را خواند. جمعیت را شوروهیجان فرا گرفت‌وچشمانشان‌به‌صحنه دوخته شد. دقایقی‌بعد **رفیق حجری**، فاتح شکنجه‌گاههای رژیم‌پرداود شد. جمعیت بپاخاست، باکف‌زدنهای ممتدفریاد زد، «دروود برکمیته مرکزی حزب‌ما»!

**رفیق حجری** در بخشی از سخنان خـود گفت :

«این فرزندان بخون خفته، تربیت‌یافتگان حزب‌ما، حزب توده ایران ، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران بودند. آنها درمکتب حزب خود درس وفاداری به‌آرمانهای والای انسانی را آموخته بودند. آنها آموخته بودندکـه در مقابل ظلم سرفرود نیاوردند، آنها آموخته‌بودند که ازمنافع طبقه‌کارگر ودیگرزحمتکشان شهرو

ده‌بخاطرفوت‌دفاع شده‌وباهمه عشقی‌که به‌زندگی داشته‌اند، آنجاکه دفاع ازچنین منافعی مطرح بود، بجان نهاندیشند وآن را باگناده دستی و دریا دلی ایثارکردند.»

**رفیق حجری** درقسمت دیگری ازسخنان خودگفت:

«ما‌اعتقاد داریم که امپریالیسم، بـه‌کمك ایادی رنگارنگ خود، که در پوشش هرکسوئی میتوانند باشند، مجدداً نسعی در تضعیف‌وسرکوب انقلابها دارد . ازاین‌رو هدف‌عمده‌نیروها باید مبارزه علیه امپریالیسم، این دشمن آشتی ناپذیرخلقها باشد.»

**رفیق حجری** افزود، «ما‌اعتقاد داریم‌که دولت موقت جمهوری اسلامی ایران نه تنها به کردستان، بلکه باید بادادن حق خودمختاری اداری‌وفرهنگی به‌همه‌خلقهای‌ایران‌درچهارچوب ایران واحد وباحفظ تمامیت‌ارضی ایران‌ازمبوء همکاری داوطلبانه وبرادرانه بین‌خلقهای ایران را برای مقابله‌بادسائس امپریالیسم وضدانقلاب فراهم کند.

رفقا ما‌باید بـهم‌خود دستاوردهای‌انقلاب را هجوم مردمك چشم حفاظت وحراست‌نماییم و در این راه سعی کنیم شایسته نـام خـمرزم مردانی باشیم‌که‌اینك یادشان راگرامی‌میداریم.

رفقا بهرین راه وارث آنها بودن، راه آنهارا طی کردن‌است و این‌بهترین پاداش‌است که میتوان به آنها داد. سوگند میخوریـم‌کـه پراحتان وفادار باشیم. سوگند میخوریم سوگند میخوریم.»

جمعیت **رفیق حجری** را با شعار، **دروو به‌کمیته مرکزی حزب‌ما**، بدرقه‌کرد.

در این مراسم، پیام سازمان جـوانـان و دانشجویان دمکرات مشهد، پیام‌کانـون دانش آموزان مشهد،وهمچنین اشعاری قرائـت شد.

## رفقای گرامی کمیته‌مرکزی حزب توده ایران

بادرودهای گرم و آتشین، سی‌وهشتمین‌سالگرد تأسیس‌حزب توده ایران، حزب‌محبوب‌قهرمان طبقه کارگر ایران را بهمدا وبه تمام اعضاء وهـواداران حزب صمیمانه تبریك میگوئیم.

۳۸ سال نبرد پیگیرو همه‌ـ جانبه علیه امپریالیستها ، ۳۸ سال نبرد پرافتخار درراه احقاق حقوق زحمتکشان، درراه‌پیشرفت وسعادت وصلح و ترقی اجتماعی کارنامه درخشان‌زندگی‌حزب‌توده ایران است. مبارزات قهرمانانه کمونیستهای ایران، حیدرعمو- اوغلی‌ها، ارانی‌ها‌وفرزندان‌خلف آنها سیامك‌ها وروزبه‌هاوحکمت جوها، همواره چون‌خطوط سرخ درخشانی‌بر‌صفحات‌تاریخ‌مبارزات اجتماعی‌مردم‌ایران‌ثبت شده است. مباهات‌ما،عمروس‌بلندی‌ها به جهان مترقی امروز و آینده، هدیهٔ مبارزان قهرمانه شماست.

برجم پرافتخار حزب توده ایران، حزب سیامك‌هاوروزبه‌ها، ایـن گردان پیش‌تاز، در دستان پینه بستهٔ کارگران و خلقهـای زحمتکش ایران هرچه محکمتر در اهتزاز باد! پیروزباد حـزب توده ایران!

**هواداران حزب تودهٔ ایران درقم**

## رفقای‌کمیته‌مرکزی‌حزب توده ایران

سی‌وهشتمین سالگردتأسیس حزب توده ایران، حـزب طبقه کارگر ایران، را بـه شما وهمه اعضا وهـواداران و دوستداران حزب پرافتخار تـوده ایـران، بخصوص طبقه‌کارگر ایران تبریك وتهنیت میگوئیم وامیدواریم که بتوانیم، یاری وفاداردر راه‌بنیر ساندن اهداف انقلابی حزبمان باشیم .

**هواداران حزب تودهٔ ایران دزبابل**

## رفقای عزیز کمیته‌مرکزی حزب توده ایران

سی و هشت سـال از حیات پرافتخارحزب توده‌ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگـر ایران میگذرد. درسی وهشت سال پیش، پیشوای سیاسی زحمتکشان‌بوجود آمد وازآنزمان تاکنون بادادن صدها شهید و قهرمـانـان چون سیامك‌ها، روزبه‌هـا، و کیلی‌ها، حکمت‌جوها، وارطان‌ها‌وتیزابی‌ها حتی یـك‌لحظه از موضع اصولی خود، که همانا دفاع ازکارگران و سایرزحمتکشان ایـران است در مقابل ارتجاع‌وامپریالیسم عدول نکرده ونام آن همیشه توام بـا افتخاربوده وهست. ماداشجویان دمکرات مدرسه عالی بـابلسر، ضمن تبریك به تمام زحمتکشان ایران، سی‌هشتمین سالگردحزب توده ایران را به رفـقـای‌کمیته مرکزی حزب واعضاءوهواداران آن صمیمانه شادبـاش‌میگوئیم.

**دانشجویان دمکرات مدرسه مالی(ایوب معادی) بابلسر**

## دنباله پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق...

بقیه ازصفحه ۴

ومتحدگرد آورد ـ جبهه‌ای‌که بتواند تسلط امپریالیسم را در کلیهٔ شئون برانداز‌د، ثروتهای ملـی وقدرت اقتصادی را از چنك عناصر غارتگر، یعنی سرمایه‌داران بزرك وابسته بـه امپریالیسم بیرون کشد و به سود خلق به‌کار اندازد.

فقط در پرتو چنین جبههٔ متحد وتحقق چنین برنامهٔ مشترکی است‌که می‌توان دستاوردهای انقلاب خلق‌مارا حفظ کرد وبه‌خواستهای خلق انقلابی جامهٔ عمل پوشانید.

حزب تودهٔ ایران همهٔ نیروهای انقلابی و در درجهٔ اول همهٔ گروههای مبارز پیرو راه آیت‌الله خمینی، سازمـان مجاهدین خلق، چریك‌های فدائی خلق وهمه گروههای سیاسی وسازمان‌های ملی ودموکراتیك دیگررا به‌بررسی این‌پیشنهاد حزب تودهٔ ایران دعوت می‌کند. به‌نوبه خود حزب‌تودهٔ ایران آمادگی خودرا برای بررسی هرپیشنهاد دیگری کـه در این زمینه مطرح گردد اعلام می‌کند.

هم‌میهنان، مبارزان راستین راه خلق!

انقلاب‌ایران راهی دشوار وسرشار ازانواع‌مخاطرات، توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن در پیش دارد. دشمنان خلق هنوز کارگران‌ایران را و انتشار مـجدد مـردم بـه شما ، بـه مـردم ایران، بطبقهٔ کارگر قهرمـانـو همه اعضاء وهواداران‌حزب‌شاد- باش می‌کوبیم.

ما آمادگی هر چـه بیشتر خودرادرجهت‌پیشبرد‌اهداف‌انقلابی حزب‌توده‌ای مان‌اعلام‌میدارید و آمـاده‌ایـم دراپـن راه‌مقدس مـانند روزبه‌ها ، میشری‌ها ، سیامك‌ها،حکمت‌جوها،تیزابی‌ها، بیکوندها، وآذرنوشها جان‌خود را نثار کنیم.

**سازمان حزب توده ایـران درسمنان**

## رفقای کمیتهٔ‌مرکزی‌حزب تودهٔ ایران

سی‌ونهمین‌سال فعالیت‌حزب تودهٔ ایران‌درشرایطی آغازمیشود که جنبش تودهای با بفرنجیها و مسائل حادی روبروشت. در این شرایط رهنمود های حزب‌طـراز نوین طبقه‌کارگر، راه‌حل‌مشکلات را ازمیان تمامی تئوریات راست گرایان انحصارطلب وچپ‌نمایان افراطی مینمایاند.

از طرف‌دیگر تقارن‌رادرروز حزب‌توده‌ای‌خلق‌ما، باشروع‌مجدد انتشار «مردم»و فعالیت آزادانه مجدد حزب توده ایران‌خوشحالی مارا دوچندان میکند.

وظیفهٔ خود میدانم در آغاز سی‌ونهمین سال فـعالیت و مبارزه، حزب بگویم، رنجها وخستگیها وزدوسهایتان مثبرك وپرباد ودلها ودستهایتان ازعزم ونیرو سرشار باد!

**سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ـ اراك**

## «مردم»
## ارگان‌مرکزی
## حزب تودهٔ ایران

نشانی، خیابان ۱۶ آذر ، شمارهٔ ۶۸

تلفن، ۹۳۵۷۲۸۹۳۳۴۵۹

چاپ، کاویان

## آیت الله خسرو شاهی: نمیگذارند ، نمیگذارند مامشکل مسکن راحل کنیم

آیت‌الله خسرو شاهـی در نخستین جلسهٔ سهمنار مسائل اقتصادی، کـه روزنشنبه ۷ر۲۸ برگزار گردید، پیکار دیگرطرح خود دراورژنمه‌تحل مشکل مسکن بسود مستضعفین مطرح ساخت و ازنورهائی‌که مانع حل‌این‌مساله میشوند، سخن‌گفت. اوگفت:

«دانشجویان‌بمن‌اعلام‌کرده‌اند که شما اعلام‌جهاد سازندگی‌برای تاسیس ساختمان کنید، ماشما را یاری خواهیم کرد . ما حاضریم بیائیم وکارگری‌کنیم. چهاصت و نوسخن نمودائم، اما چیزی که هست نمیگذارند، همه‌چرخ‌ها را فلج‌میکنند، نمیگذارند، نمیگذارند، مسکن‌راحل‌کنیم.مـن‌می‌آیند،پشم‌ما گریـه میکنند . مـن‌الـوصف نمیگذارند.»

او در جواب این‌پرسش‌که ، چه‌کسی نمیگذارد، پاسخ داد: «گفته‌اند، نگو»!

ما از وزیرمسکن، که مسلما میداندکه در راحـل یکی از بزرگترین معضلات مردم کشور ما، چه‌کسانی نمیگذارند» وچه کسانی « همهٔ چرخها را فلج میکنند» وتوجه‌کسانی‌آیت‌الله **خسروشاهی**را ازمـرفی‌مخالفان حل‌مساله‌مسکن‌بسودمردم زحمتکش هنیع میکنند تقاضا میکنیم‌مردم کشورمارا، که بی‌صبرانه و بـا علاقمندی خواستار شناسائی این عوامل‌اند، ازچریان امـر آگاه سازند .

## رفقای‌عزیز کمیته‌مرکزی حزب توده‌ایران

با درودهای فراوان، ۳۸ـ امین سالگرد تاسیس حزب طبقه کارگرایران را و انتشار مـجدد مـردم بـه شما ، بـه مـردم ایران، بطبقهٔ کارگر قهرمـانو همه اعضاء وهواداران‌حزب‌شاد- باش می‌کوبیم.

ما آمادگی هر چـه بیشتر خودرادرجهت‌پیشبرد‌اهداف‌انقلابی حزب‌توده‌ای مان‌اعلام‌میدارید و آمـاده‌ایـم دراپـن راه‌مقدس مـانند روزبه‌ها ، میشری‌ها ، سیامك‌ها،حکمت‌جوها،تیزابی‌ها، بیکوندها، وآذرنوشها جان‌خود را نثار کنیم.

**سازمان حزب توده ایـران درسمنان**

## رفقای‌کمیتهٔ‌مرکزی‌حزب تودهٔ ایران

سی‌ونهمین‌سال فعالیت‌حزب تودهٔ ایران‌درشرایطی آغازمیشود که جنبش تودهای با بفرنجیها و مسائل حادی روبروشت. در این شرایط رهنمود های حزب‌طـراز نوین طبقه‌کارگر، راه‌حل‌مشکلات را ازمیان تمامی تئوریات راست گرایان انحصارطلب وچپ‌نمایان افراطی مینمایاند.

از طرف‌دیگر تقارن‌رادرروز حزب‌توده‌ای‌خلق‌ما، باشروع‌مجدد انتشار «مردم»و فعالیت آزادانه مجدد حزب توده ایران‌خوشحالی مارا دوچندان میکند.

وظیفهٔ خود میدانم در آغاز سی‌ونهمین سال فـعالیت و مبارزه، حزب بگویم، رنجها وخستگیها وزدوسهایتان مثبرك وپرباد ودلها ودستهایتان ازعزم ونیرو سرشار باد!

**سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ـ اراك**

## کمك مالی به حزب‌تودهٔ‌ایران یك‌وظیفهٔ انقلابی است

**هموطنان! رفقا ودوستان!**

حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، پس ازسی سال مبارزه درشرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی وقانونی خودرا آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی درمبارزه بخاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب ولوسازی جامعه ما، دربرابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف ازجمله بقدرت مالی حزب وابسته است. فدا‌کمك مالی به حـزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است. فداکاری‌های اعضاء ، هواداران ودوستان حزب دراین زمینه درگذشته غروراانگیز است. اکنون نیز ماطمینان داریم که اعضاء ، هواداران ، دوستان وهمه کسانی که به پیروزی نهائی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند .

کمك مالی را می‌توان مستقیما به دفتر حزب داد ویا با تلفن‌های ۹۳۴۵۹۰،۹۳۵۷۲۸ـ آمادگی خودرا اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمك مالی خودرا بحساب بانکی به‌نام تقی کرمنش وبه شمارهٔ ۴۳۴۳، شعبهٔ ۴۱۸ بانك ملـی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق) بپردازند.

## ساواکی‌ها آزاد شدند دزدان و معتادان‌دستگیر!

بقیه ازصفحه ۱

راوز برمی گیرد.دراین‌دوروداد‌گاه‌ـ های‌انقلاب فعالیت‌انقلابی کمیته‌ها راتکمیل‌کردند. کارنامه‌دادگاه‌ـ های انقلاب‌دراین دوره سرآمد محاکمه‌های انقلابی سران رژیم شاه خائن وخونخواران ساواك است. یکی ازنبرات درخشان‌این کارنامه،دستگیری‌نزدیك‌به ۱۰۰۰ ساواکی است. دوره دوم، که‌اندکی بعداز صدور فرمان عفوعمـومی امام آغاز شد، باچرخشی عظیم‌در کارودادگاههاهمراه‌بود. شدانقلاب، کمشمش دادگاههای انقلاب را بر باد دیده بود، بیـکارنشست و کسانی که‌حتی طعم پاسخ‌انقلاب‌ساواك راهم نچشیده‌اند ونـان رنـج و گرسنگی را نخورده‌اند، امیدی، معاون ثابتی،ساواکی‌بزرك‌ایرانی را آزاد میکنند تا جانی‌که‌جلالی ساواکی دردادگاه اعتراض‌میکند که،«امیدی معاون ثابتی رآآزاد میکنید وما مرامحاکمه؟!»

(اعلام حرم باز‌پرسان‌وقفات تحقیق دادسرای انقلاب اسلامی تهران ـ امت ـ ۲۴مهر)

این روند ادامه پیدا کرد و «بند ازاعدامهای انقلابی‌القائیان مهیونیست و خـرم خون‌آشام و فاسد ، کـه اشك مهیونیسم و امپریـالیسم را جـاری ساخت، بازپـرسان را تصفیه کـردنـد و همپالکـی‌های القائیان، یعنـی مهیونیستهائی‌مانند پریزیخی و آلبرت دانیال‌پور در زمـان دادستانی آذری‌قمی آزادشدند. آیا داد و شیون مهیونیسم بـرای القائیان بهترین‌حقانیت اینگونه اعدامها نبود؟

کجا منظورامام این بودکه هنو وی شامل خال زنان ومردان ناآگاه، که مرتکب فساد اخلاق بودند، نشود، ولی‌خال افرادی مانند سرتیپ پرورش و سرتیپ وجدی وپاسبانهای نظامی ایران درآمریکا وکارگزاران سازمان‌سیا و روحانی خود فروخته‌ای مانند مهاجرانی‌وروشنفکرهای‌خائن و بدنامی، «دهبر گروه‌اند‌پشتبان شاه‌ناپوده‌اند، یعنی‌احسان‌نراقی ایدئولوگ نظـام شاهنشاهـی و خوش‌کیش‌ها و شیخ‌الاسلام‌زاده‌ها شـود و بـه احسان نراقی‌اجازه داده شود تا‌با‌خیال‌راحت فرار میکنند،وپیروزمندانه وارد پاریس میگردند، وقتی می‌بینیم بچه‌های مجازات‌دیگر سرسپردگان رژیم پهلوی، دوسیی بدبخت، که خودقعلمول رژیم فاسد گشته‌است، بجرم اعدام سپرده میشود،وقتی می‌بینم‌قاتلهاچهاران، بزرك‌مردفین از زندان‌آزاد میشوند وپافشاری های انقلابی سران رژیم شاه خائن وخونخواران ساواك است. یکی ازنبرات درخشان‌این کارنامه،دستگیری‌نزدیك‌به ۱۰۰۰ ساواکی است. دوره دوم، که‌اندکی بعداز صدور فرمان عفوعمـومی امام آغاز شد، باچرخشی عظیم‌در کارودادگاههاهمراه‌بود. شدانقلاب، کمشمش دادگاههای انقلاب را بر باد دیده بود، بیـکارنشست و کسانی که‌حتی طعم پاسخ‌انقلاب‌ساواك راهم نچشیده‌اند ونـان رنـج و گرسنگی را نخورده‌اند، امیدی، معاون ثابتی،ساواکی‌بزرك‌ایرانی را آزاد میکنند تا جانی‌که‌جلالی ساواکی دردادگاه اعتراض‌میکند که،«امیدی معاون ثابتی رآآزاد میکنید وما مرامحاکمه؟!»

(اعلام حرم باز‌پرسان‌وقفات تحقیق دادسرای انقلاب اسلامی تهران ـ امت ـ ۲۴مهر)

این روند ادامه پیدا کرد و «بند ازاعدامهای انقلابی‌القائیان مهیونیست و خـرم خون‌آشام و فاسد ، کـه اشك مهیونیسم و امپریـالیسم را جـاری ساخت، بازپـرسان را تصفیه کـردنـد و همپالکـی‌های القائیان، یعنـی مهیونیستهائی‌مانند پریزیخی و آلبرت دانیال‌پور در زمـان دادستانی آذری‌قمی آزادشدند. آیا داد و شیون مهیونیسم بـرای القائیان بهترین‌حقانیت اینگونه اعدامها نبود؟

کجا منظورامام این بودکه هنو وی شامل خال زنان ومردان ناآگاه، که مرتکب فساد اخلاق بودند، نشود، ولی‌خال افرادی مانند سرتیپ پرورش و سرتیپ وجدی وپاسبانهای نظامی ایران درآمریکا وکارگزاران سازمان‌سیا و روحانی خود فروخته‌ای مانند مهاجرانی‌وروشنفکرهای‌خائن و بدنامی، «دهبر گروه‌اند‌پشتبان شاه‌ناپوده‌اند، یعنی‌احسان‌نراقی ایدئولوگ نظـام شاهنشاهـی و خوش‌کیش‌ها و شیخ‌الاسلام‌زاده‌ها شـود و بـه احسان نراقی‌اجازه داده شود تا‌با‌خیال‌راحت فرار میکنند،وپیروزمندانه وارد پاریس میگردند، وقتی می‌بینیم

## طرفین دادگاههای خانوادگی دستگیر میشوند.

فقط نگاهی به‌آمارزندانهائی کهدردادگاه انقلاب تهران‌پرونده دارند، نشان دهنده تفهیم ماهیت بسیاری ازدادگاههای انقلاب در دوره دوم است.

طبق‌آنچه‌دادستان‌کل‌انقلاب اعلام کرده (بامداد - ۲۶ مهر) زندان اوین جمعاً ۶۷۳ زندانی دارد،که ۳۹۲ نفرآنها در دوره دوم، یعنی در ماههای‌اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد و شهریور دستگیر شده‌اند. ازکل زندانیان اوین، فقط ۲۴۲ نفر از عوامل رژیم گذشته هستند، اگـر تعداد دستگیرشدگان دوران اول دوره، یعنی بهمن، استخدام سال‌گذشته وفروردین ومهرماه امسال را،که ۲۸۱ نفرهستند، درنظربگیریم، روشن میشودکـه دادگاه انقلاب تهران، دردوره دوم، حتی‌یك‌نفر ازعوامل رژیم‌گذشته را دستگیر نکرده،بلکه سایردستگیرشدگان آن را متهمان‌به‌اعمال‌منافی‌عفت، مشروب‌خواران، کلاهبرداران و حتی طرفین درگیر در منازعات خانوادگی وکارگری ونزاع ساده (این ۳ مـورد جمعـاً ۳۷ نفر) تشکیل میدهند.

خوشبختانه این دوران زیاد دوام پیدا نکرد و،

«ایلیاوری نامی بدلیل گرفتن رشوه بمبلغ دو میلیون تومان ، بزبان‌آسان می‌آید، از معاونت دادستانی انقلاب برکنار گردید ورخدانهائی اسناد ومدارك‌مختلف وگذرنامه‌های بدون اسپور اعضاء پیداشده ، محمد رضای محمودی زنگنه ازاعضاء دادگاههای انقلاب بجرم مشابه‌تحت‌تعقیب‌قرارگرفت، که ایلیاوری‌دومورد نمونه‌کوچکی از موارد متعدد وزیادی است که هنوز بصورت شایعه وجود دارد.» (مردم ایران-۲۶ مهر)

بدون تردیدباید گفت:آنها که در دادگاههای انقلاب‌میلیونها تومان رشوه می‌گیرند تا سران رژیم را فراری دهند و درعوض سربازها وپاسدارها‌را‌بجرم‌اعدام می‌سپارند، فقط میتوانند افراد مشکوك و نابـاب باشند وبس ، تنها بدلیل نفوذ عوامل‌سپرده رژیم سابق در ارگانهای انقلاب است‌که «یك نفررا بجرم‌داشتن هروئین تیرباران می‌کنند، ولی شیخ‌الاسلام زادها ، پـاسبانیها، خوش‌کیش‌ها ومهاجرانی‌ها دامی بخشند،» (نامه سازمان مجاهدین خلق ایران به‌حجت‌الاسلام احمد خمینی-اطلاعات-۱۶مهر )

با آغاز دوران سوم، که از زمان انتصاب **آیت‌الله‌قدوسی** بدادستانی کل انقلاب‌آغازشده، تلاش‌جدی برای جبران این‌وضع اندراك، که حذفش بدین کردن مردم بمحاکمات انقلابی‌ودر نتیجه بدبین‌کردن آنها نسبت بانقلاب ورحبر آن است، آغازشده‌است.

به‌نظر ما پاپاك‌سازی سریع‌دو انقلابی دادگاهها میتوان دوباره آنهارا بدارگاهای مبارزه‌باضد انقلاب تبدیل واعتماد تودهها را جلب‌کرد .

## ساواکی‌ها آزاد میشوند

## این استدلال که، «چون وابسته بوده‌ایم، بناچار باید وابسته بمانیم» ، قابل قبول نیست

«... دراین مصاحبه (مصاحبه بایکی از نشریات انگلیسی زبان چاپ ایران)... در باره اسلحه خریداری شده توسط‌محمدرضا از آمریکا، یزدی (وزیر امورخارجه) پاسخ داده است که ماقطعات یدکی این تجهیزات را از آمریکا یاهرکشور دیگری بجزاسرائیل وافریقای جنوبی خریداری میکنیم.»

(نقل از روزنامه اطلاعات، شماره ۲۶ مهرماه ۱۳۵۸)

گفتنی جـالبی است. مضمون آن را میتوان بـاجمله‌بی کوتاه‌تری‌بیان داشت وگفت،«قطعات یدکی این تجهیزات را از آمریکا خریداری میکنیم!» بقیه جمله ـ بنظرمیرسد ـ برای‌رنك آمیزی بیان شده تاازحمل مطلب‌گرفته شود.

ناگفته پیداست‌که قطعات یدکـی اسلحه معینی را فقط از کشور وسازنده آن اسلحه معین میتوان خریـد ونه ازکسی دیگر. قطعات یدکی اسلحه معین پهن‌نیست که بتوان بقال‌فروشدند‌آنرا انتخاب کرد. قطعات یدکی اسلحه ساخت انحصارهای اسلحه سازی امریکا را فقط ازهمان انحصارها میتوان خرید. بنابراین،این‌گفته که ماقطعات یدکی ساخت امریکا را از کشور دیگری هم میتوانیم بخریم ویاخواهیم خرید،گفته‌ای خالی ازمعنوا است. اعلام اینکه ما از اسرائیل وافریقای جنوبی قطعات‌یدکی اسلحه نخواهیم‌خرید نیز مفهومی ندارد.

نام این دوکشور ظاهراً بخاطر یادآوری اقدام مثبت‌دولت درقطع رابطه باآنها آورده شده، ناقصدان قاطعیت دولت درزمینه مناسبات باایالات متحده امریکا بدین‌وسیله خفیف‌تر جلوه‌کند.

ولی‌موضوع بحث ما بر سر «فزونگی» آقای وزیـر خارجه نیست. موضوع مهم خرید قطعات یدکی از آمریکا مطرح است . موضوع مهم اینست‌که، آیا ما قطعات یدکی‌اسلحه ساخت امریکا را با قید وشرط ویا بی‌قید وشرط خواهیم خرید؟ آیا امریکا حاضـر است، یـا حاضر خواهد شد که قطعات یدکـی را بی‌قید و شرط بفروشد ؟

خود آقای یزدی درهمان مصاحبه باین سئوال پاسخ میدهد ومیگوید، «...بازرگانان امریکائی برای فروش قطعات یدکی پـا مودا‌خام‌(دراینجا قاعدتاً منظور قطعات یدکی‌ماشین‌است) موردنیاز ما بهانه‌های عجیبی پیش‌کشیده‌اند وبدین طریق درخواستهای ماارا رد میکنند و این عدم همکاری ما را تحت فشار بـزرگـی قـرار داده است.»

پس آیا وقتی بازرگانان امریکائی «بهانه‌های عجیبی» پیش میکشند تاقطعات یدکی‌ماشین‌آلات معمولی‌رابا قیدوشرط بفروشند آنوقت آیا سوداگران بزرك آمریکائی‌ـانحصارهـای اسلحه‌سازی امریکائی‌که با دلالی پنتاگون عمل‌میکنند و فروش‌کالای‌ز آنهـا وسیله استقرارمستقیم سلطه سیاسی‌نظامی دولت امریکاست ـقطعات یدکی اسلحه ساخت خود را بی‌قیدوشرط خواهند فروخت؟البته نه. صد البته نه. گره مسئله دراینجاست.

میهاز ومحك قاطعیت انقلابی‌ما نیز درنحوه‌گشودن این‌گره معین‌میگردد. یا ما باید درموضع «همکاری» با امریکا قرار گیریم وبدون‌توجه «دهمجبکاری» امریکا را به‌ماهم، «تحت فشاربزرگ» واقع شویم وسپس دراین‌آن موضعگیری به این‌فشارتسلیم شویم ویا بـرعکس، ما باید درموضع«عدم همکاری» استوار بایستیم و در نتیجه امریکا را تحت فشار بزرگی‌قراردهیم، تا مجبورشود استقلال ماراـ درعمل ونه درحرف، برسمیت بشناسد.

آیا می‌توانیم در چنین موضعی قرارگیریم؟ آری‌می‌توانیم. چون جهان منحصر به‌امریک

## به آنها که زنده‌اند

اگر شهید بخون خفته‌ایست در دل خاك
شهید من توئی ای زنده ای مبارز پاك !
توئی که درهمه حالی براه ما رفتی
براه مردم محروم بینوا رفتی
زحبس وبند نترسیدی وشکنجه ودرد
وزآنچه دشمن جلاد برسرت آورد،
نه‌نان بمزد خیانت گرفتی از کف کس
نه آبروی فروریختی به پیش عسس،
بعمر طی شده افسوس نیستت ای دوست
که عمر هرچه به پیکار بگذرد نیکوست،
به تنگدستی خاموش خویش سرکردی
که تاسر ازهمه عالم بجلوه برکردی،
شهید من توئی ای پاسدار توده به‌جان
بیادگار شهیدان خلق ما، تو بمان !

**فرهاد ره‌آور**

۳۰ مهر ۱۳۵۸

### درتظاهرات چندهزارنفری روستائیان‌ودانشجویان بر علیه علی ایزدی در خیابان های شیراز ، طی‌قطعنامه‌ای

# دهقانان خواستار برچیدن بساط فئودالیسم شدند

روزنامه‌جمهوری‌اسلامی(۲۹ مهر) می‌نویسد :

هزاران‌نفر از مردم قریه بیضا،قلعه‌نو و روستاهای اطراف همراه با دانشجویان دانشگاه شیرازتظاهرات گسترده‌ای را در سطح شهرآغازکردند. راه‌پیمائی از خیابان زند شروع وشرکت‌کنندگان با دادن شعارهائی از قبیل «علی‌ایزدی این‌مفسدزمینی اعدام بایدگردد،کشاورز مسلمان اززندان شیرازآزاد باید گردد، دادگاه انقلابی مورد تائیدماست، مرك برایزدی زمین‌خوار» به تظاهرات پرداختند ودرفلکه شهرداری‌تجمع کردند.دراین‌هنگام قطعنامه‌زیرقرائت‌گردید،قطعنامه راه‌پیمایان مورخه ۵۸/۷/۲۹ اهالی بیضا و مسلمانان آگاه شیراز.

۱- ماضمن محکوم کردن اعمال‌غیرانسانی‌وغیراسلامی‌آقای علی‌ایزدی‌خواهان تعقیب‌دادگستری از این گونه عناصر نامطلوب هستیم .

۲ - ما ضمن تائید دولت جمهوری اسلامی و معتقد بودن برهبری امام خمینی خواستار برچیدن بساط‌فئودالیسم‌در سطح استان‌فارس‌می‌باشیم

۳- ما دستورات انقلابی حضرت‌حجةالاسلام سیدعلی محمد دستغیب‌را در باره مالکین بیضا، بوانات وسایرنقاط، صددرصدتائید نموده وپشتیبانی خود را ازشخص ایشان و سپاه پاسداران انقلابی مجری دستورات ایشان اعلام میداریم .

۴- از مقامات دادگستری خواهانیم که هرچه سریعتر۸ نفر زندانیان کشاورزی را که‌به‌حکم هیئت پنج‌نفری مرودشت به‌ناحق زندانی‌گردیده وازطریق ریاست دادگاه وسپاه پاسداران جهت آزادی ایشان تقاضاهای مکرری گردیده، آزاد نمایند.

۵- مقاله‌منددرج درروزنامه جمهوری‌اسلامی‌مورخه۲۸و۷و۵۸ که از سوی وزیر کشاورزی‌درج گردیده بود، موردتنفر وانزجار همگی ماقرارگرفته‌وضمن‌تکذیب تمام اظهارات ایشان مجددا دستورات انقلابی حجةالاسلام‌سید علی محمد دستغیب را تائید می‌نمائیم .

لازم به‌یادآوری است که آقای‌ایزدی، وزیرکشاورزی و مالك بزرك روستاهای فارس ، بهمراه برادرش آقای‌علی‌ایزدی، که اونیز از مالکین بزرك فارس است، هردو ازمخالفان جدی حل مساله ارضی بود دهقانان‌اند . اولی‌بامالکیت ۳۰۰۰ هکتار زمینی مزروعی که میکوشد تا در آینده آنرابه۶۰۰۰هکتارافزایش دهد، منکر وجود مالك بزرك و فئودال درایران است! واقدامات شاه منفور را درزمینهٔ کشاورزی کمال مطلوب میداند و دومی با استفاده از موقعیت پدرادرش در دستگاه دولتی‌واعمال نفوذدرآن، دهقانانی‌که حقوق طبیعی‌خود را میخواهند، مورد ضرب‌وشتم قرار داده‌وآنها را بزندان انداخته است .

آری، به اقدامات ضددهقانی ایندوست که دهقانان معترضند.

# به‌یادبشکندای بسازمان نظامی

«حزب توده ایران»

**پوسترفوق، که بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد شهادت افسران توده‌ای تهیه شده، در سراسر کشور پخش گردیده است.**

## دونوع تعبیر متفاوت از محتوی وروش دیانت اسلام ...

بقیه ازصفحه

خودرا«خدایگان‌آریامهر» نامیده‌بود). «نماز بردن»، یعنی‌دربرابر شاه بخاك افتادن وپاودست بوسیدن حتمی بود (چنانکه آخرین‌شاه تاریخ ایران، محمدرضا پهلوی، نیز این‌رسم نفرت‌انگیز «ردگی‌و حقارت انسانی‌را باقدت حفظ می‌کرد.) زیرا سلطنت، یعنی تحقیر انسانیت. فرهنگ اشرافی شاهنشاهی، که درونمایه‌اش بردگی‌جمعی وتذلیل شخصیت دیگران بحداعلاست، هم دردوران پیش وهم‌پس‌از اسلام، موفق‌شد فرهنگ‌دینی (وازآنجمله اسلامی)را بدنبال بکشد. بقول ناصرخسرو درخطاب به‌روحانی‌نمایان عصرخود.

«ناخصم سرکیسه‌رشوت بگشاید دروقت شما بندشریعت بگشائید.»

شیعه‌گری، تازمانیکه درودوران امامان‌شیعه‌وتخستین‌اندیشه‌پردازان‌که نام بردیم، ایدئولوژی متعلق به مخالفین اجتماعی (اپوزیسیون) بودوبه‌اصول «عدل» و«امامت» تکیه‌میکرد، ازآلایش آن‌مذاهب، که خودرا به‌سلاطین وامرا بسته بودند، تبری‌می‌جست. ولی بعدها روحانی نمایانی چندپیدا شدند،که تاحدی منظره را دگرگون ساختند. اینکه آنهابویژه چه‌کسانی بودند، بایدبراساس تحقیق تاریخی حرف‌زد و نمیتوان هرروحانی را، که در دورانهای صفوی، افشاری، زندی، قاجاری وپهلوی میزیسته، از آن زمره دانست. مثلا دراین دوران‌ساکسانی مانند صدرالدین شیرازی و حاج‌ملاهادی‌سبزواری وسیدجمال‌الدین اسدآبادی ومدرس‌و سیاری دیگر نون داریم، که‌دانش وآزادگی‌را بردوردم نساختند. ولی«امام جمعه»ها هم بودند، که دست بخون امیرکبیرها می‌آلودند، تامنافع امپراطوری انگلیس حفظ شود. بگفته **امام‌خمینی**، هرعمامه‌بسری روحانی نیست.

اما در دنیای‌کنونی، درتمام جوامع وکشورهایی‌که درآنها دیانت اسلامی، دیانت رسمی یامسلط است، بطور عمده دونوع‌تعبیر ازاین دین انجام می‌گیرد ، وقتی به‌تاریخ نظر می‌افکنیم، می‌بینیم که این دونوع تعبیر از اسلام ، از همان آغاز پیدایش این دین توحیدی وجود داشته است. مثلا ابوذرغفاری، ازصحابه رسول، در اثر سخنانی‌که علیه زرپرستی وزرپرستان‌گفت، به‌سعایت معاویه به «بلده» تبعید شد و درآنجا درفقر وتنهایی درگذشت. او وبرخی‌از مسلمانان فقیر ومستضعف، معروف به «اصحاب صفه»، مانندحذیفه وعمار یاسر وطاووس‌یمانی ودیگران (که مورد محبت‌خاص پیغمبر اسلام وعلی‌ابن‌ابیطالب بودند) اسلام را بمعنای عدالت و برابری می‌فهمیدند وازکسانی‌که زروسیم می‌انباشتند (الذین یکنزون‌ذهب والفضه) نفرت داشتند.

در انقلاب اخیر مردم‌ما، ایدئولوژی سیاسی مذهبی نقش بزرگی داشت،که انکارپذیر نیست، ولی پس‌از پیروزی مرحله اول انقلاب، ازمیان این ایدئولوژی سیاسی اسلامی، بتدریج سه‌جریان عمده ازهم مشخص میشود، که یکی علاقه «وزانش بسوی خلق است ویکی بسوی تفسیر سنتی از دین‌گرایش دارد و سومی میخواهد «جمع بین‌الامرین» بکند وچنانچی را نرنجاند، شاید باین‌نیت‌که همه‌را درکنار خود متحد نگاه‌دارد. مبارزه اجتماعی‌ونیروهای اجتماعی دراین‌جا بازتاب یافته است.

حقیقت آنست‌که خدمت به‌اسلام‌کسانی می‌کنند که‌میخواهند آنرا به‌عمق وقلب عصرما نزدیك سازند و آنهاکه به‌دنبال دادن تمایین قشرگرایانه وسنتی مهروند و در واقع اسلام خلفاوسلاطین را بمیان می‌کشند ومایلند زرپرستان را درحفاظ اسلام از ورش انقلاب نجات بخشند، خادمان روشن‌بین دیانت نیستند.

اگرما رفتارپیغمبر اسلام‌واائمه‌شیعه‌راملاك قراردهیم، می‌بینیم که رفتارآنها قبول‌نبرد درراه عدالت وبارسائی وسادگی وفروتنی وماندن درکنارخلق است. محمد خودعلیه اشرافیت قریش قیام‌کرد ویك انقلاب واقعی درجامعه جاهلیت عرب بوجود آورد، ائمه‌شیعه از «بله‌قربان‌گوئی» به خلفا نفرت داشتند. والاآنها ازجهت علم‌و ادراك‌کمترازدیگران، که خودرا به خلفا و سلاطین نزدیك‌کرده‌اند، نبودند واگرمی‌خواستند، زندگی راحت رابرمی‌گزیدند و مانند حسین‌نمی‌گفتند، «الحیاه عقیدة وجهاد» (زندگی‌باور به‌حقیقت‌داشتن ودرراه آن رزمیدن است.)

راست‌گرایان دوران‌کنونی می‌خواهند اسلام را در خدمت مالکیت سرمایه‌داران ویك‌سلسله موازین‌دولتی واجتماعی‌نامطلوب برای خلق بگذارند و با این اقدام عملا جاذبه دیانت را درنظر توده‌های مردم ازآن بازمیستانند و حال آنکه، طرفداران تعبیر امروزی ومترقی ازدین، آنرا واقعاً به یك ایدئولوژی سیاسی با طراوت بدل میسازند،که میتواند نقش خود را درجامعه انقلابی امروزحفظ‌کند. درعین‌حال آنها عمیقاً به اسلام‌باورداردند وتعبیرات آنها **درمتن اسلام** است، همانطورکه به روح‌زمان وتحولات عصر واقفند وتعبیرات آنها **درسمت زمان** است. درمتن اسلام ودرسمت زمان، این شاخص این نوع تعبیرات مترقی است همین تعبیر بود که توانست یك‌اردیگرغلبه فرهنگ اسلامی رابرفرهنگ‌شاهنشاهی تامین‌کند. حالا اگرکسی ازترس آنکه این تعبیر انقلابی ازاسلام ضرر بسه «دخلش» میزند یا دکانش را میبندد، بخواهد، به گفته **امام خمینی**، اسلام رابه «احکام‌حیض ونفاس» محدودکندوفرهنگ اسلامی را درخدمت فرهنگ طاغوتی بگذارد، خدمتگزارعاقلی‌برای دین نیست. هم‌چنین خدمتگزاره‌اقلی نیست اگرتحت‌عنوان «اسلام» بخواهد اندیشه‌های محافظه‌کارانه و غیرانقلابی خود را به انحاء مختلف پیش ببرد وتحمیل‌کند، نتیجه‌ای هم نخواهدگرفت.

«ازدرصدد اندرزگوئی بکسی نیستیم، زیراکسی که منافع خودرا درطرز تفکر وعمل‌معینی می‌بیند، به‌اندرز این وآن، گوش نخواهدکرد. منظورما ازاین اظهارنظر تنها این‌نتیجه‌گیری است که» پس‌از درگذشت مجاهد نستوه**آیت‌اله سید محمود طالقانی** وآنچه‌که‌آنرا امام خمینی «انفجار» احساسات عمومی توصیف‌کرد، روشن شدکه مردم به‌کدام تعبیر اسلامی رافیتر ند ، وجاهت بزرك آن مرحوم درهمین تلاش برای‌نشان دادن جهت انسانی، جهانی، اصلاحی، عدالت‌پرورانه، برابری طلبانه وآزادیخواهانه اسلام‌بود، والاروحانیون فاضل وپایزندان دیده کم‌نیستند وهردرگذشتی‌چنین هیجانی رابرنخواهد انگیخت

واماآنچه بمامربوط‌است، مابه‌آن جریانی احترام‌میگذاریم که **درجهت منافع عمیق وتاریخی وسیعترین قشرهای خلق** حرکت‌کند وبااین **محتوی**، صرف‌نظر از **هوشکلی** که بپذیرد، بنوبه خود موافقیم، زیرا بنظرما تقدم بامحتوی است نه‌باشکل.

## خیابان کشاورز مرکزخریدوفروش حشیش‌شده‌است

خیابان کشاورز ( بلوار الیزابت سابق) به صورت یکی‌از مراکز عمده‌خرید وفروش‌حشیش درآمده‌است. هرروز ، مخصوصاً عصرها، دهها فروشنده درطول‌این بلوار وبویژه در دو نقطه یعنی میدان ولی‌عصر، ابتدای بلوار و چهارراه بلوارکشاورز وخیابان کارگر، روبروی درب‌جنوب‌غربی پارك لاله ، بخریداران متعدد حشیش میفروشند .

دراین منطقه عمده فروش‌ها قراردارند،که حشیش در اختیار واسطه‌ها می‌گذارند.

واسطه‌ها دو گروه هستند ، یك‌گروه حشیش‌رابرای فروش‌به محله‌های مختلف می‌برند و یك گروه هم درطول بلوار این ماده مخدررابصورت سیگاری‌وباقیمتی بیشتر بخریداران میفروشند .

شیوه فروش حشیش بایـن ترتیب است‌که معمولا دو نفر با خریداران وارد مذاکره‌می‌شوند وبعد ازاینکه سر قیمت حشیش، که‌معمولامثقالی‌فروخته‌میشود، با خریدار به‌توافق‌رسیدند، یکی‌از آنها اشاره‌ای میزند و دیگری بلافاصله حشیش‌راه‌که‌دربسته‌هائی زیرپلهای‌جوی‌آب،یا روی‌درخت های‌کنارپارك، مخفی‌کرده است، برای خریدارمیآورد.

بعد ازدوبارخرید وفروش، فروشنده جای ماده مخدررا تفهیم می‌دهد.

خرید وفروش حشیش‌دراین بلوارآنقدرعادی‌است‌که‌رهگذران عادی درطول‌مسیر، دهها‌بارمتوجه چانه زدن خریدار و فروشنده بصدای‌بلندمی‌شوند.

ماهیرسیم، آیاچنین منظره‌ای شایسته ایران بعدازانقلاب است؟

## رفقای‌عزیزکمیته مرکزی حزب توده ایران

سی‌وهشتمین سالگردتاسیس حزب توده ایران را، که همراه باانتشارمجدد روزنامه‌مردم‌است، به‌شما وهمه‌اعضاوهواداران‌حزب توده ایران تبریك می‌گوئیم.

زنده‌باد حزب توده ایران

حزب طرازنوین طبقه‌کارگرایران

**هواداران حزب‌توده ایران در اوزفارس**

## چرا از توزیع روزنامه مردم در شهرستانها جلوگیری میشود

بقیه ازصفحه ۱

آن دسته‌ها می‌چینند، توطئه‌ها میکنند واگر میتوانستند، برای یکروز هم سر «مردم» را بسر تنش تحمل نمیکردند.

سئوال‌ما ازآن مقام محترم اینستکه، چرا«مردم» نباید‌بدست مردم دنیا و مردم ایران برسد؟ چون از انقلاب شجاعانه دفاع می‌کند؟ چون‌توطئه وخطرات‌تعبیه شده درسرراه انقلاب را برملا می‌کند؟ چون از رهبری‌قاطع‌امام حمایت می‌کند؟ چون استقلال و آزادی میهن مقدسترین وظیفه بلاقیدوشرط این روزنامه است؟ چون ازکمبودها و نواقص کاردولت وادارات صادقانه انتقاد میکند؟

سوال دیگر ما ازآن مقام محترم اینست که، آیارفع توقیف ازطرف دادستانی کل‌انقلاب فقط بمعنای رفع توقیف در محدوده تهران بوده‌است؟ وچرا مامورآن دادستانی‌درفرودگاه مهرآبادبخود حق میدهد جلوارسال روزنامه‌را بشهرستانها وخارج بگیرد؟ در حالیکه روزنامه‌های دیگرمشمول چنین مقررات و محدودیتهائی نیستند، چنین تبعیضی به‌چه علت نسبت‌به «مردم» اعمال می‌شود؟

ماخواستاریم که این نوع محدودیت واشکال تراشی فورا و برای‌همیشه‌پایان داده شود وضمناً می‌طلبیم که مامورینی که تصمیم دادستانی‌رامحترم نمی‌شمرندونقش میکنند ، مورد «واخواهی» قرار گیرند.

## توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

بسیاری ازرفقای حزبی وهواداران ودوستان حزب، درزمینه‌های‌گوناگون‌برای «مردم» خبرمی‌فرستند، که‌موجب تشکرفراوان است.

«مردم» براساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران ودوستان‌دارد، ازاین‌خبرها استفاده میکندوبرای اطمینان به‌صحت‌اخبارهم، جزتکیه‌به‌اینکه فرستندگان‌اخبار وگزارشها مسئولیت خطیرخود رادراین زمینه بخوبی درك می‌کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متاسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده‌که اخباردریافتی‌دقیق‌نبوده است (ازآنجا که «مردم» روزنامه‌ای مسئول ودرمیان مردم صاحب نفوذ واعتباراست، وازآنجا که درشرایط بسیارحساس‌کنونی اخبارنادقیق ممکن است‌موجب سوءتفاهم شود ونتایج ناگواری ببارآورد ونیز به نفوذ و اعتبارحزب لطمه بزند، ازهمه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم‌که درکسب وتهیه خبر **نهایت دقت‌را مبذول دارند**

با سپاس

**«مردم»**

**قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود**